



روزنامه فرهنگی، اجتماعی
شهری و اقتصادی ایران
سه شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۴ | شماره ۴۱۶۶
۸ صفحه | قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان
www.7sobh.com
@haftsobh_news
@haftsobh

بازگشت پدیده چادر خوابی همراهان بیماران
در اطراف مراکز درمانی تهران

چادر خوابی زیر سایه بیمارستان

تذکر یک عضو شورای شهر درباره چادر خوابی همراهان
بیماران، این پرونده قدیمی را دوباره برجسته کرد

«الان ۲۰ روزی می‌شود که اینجا هستیم. مادرم را آورده‌ام دکتر. توی شهر کوچک خودمان، گفتن امکانات و دکتر متخصص ندارن و باید بریدی تهران. به نوع بیماری و نارسایی قلبی داره. دائم حالش به هم می‌خورد و نفسش بند می‌آید. بعضی وقت‌ها هم بیهوش میشه. نمی‌تونستم ببینم داره جلوی چشمم پرپر میشه. این بود که آوردمش تهران.» مرد جوان شیشه پرآید نقره‌ای رنگ کهنه‌اش را بالا می‌کشد و ضبشش را خاموش می‌کند. انگار که دیگر حوصله هیچ صدایی را ندارد...

نقد نامه مدیرعامل کرمان‌موتور به رئیس‌جمهور که در ظاهر برای حمایت از صنعت خودرو نوشته شده، اما در حقیقت به دنبال سهم بیشتر از دلارهای وارداتی است

مونتاز در چرخه رانت و وابستگی ارزی

چرا هر نامه خودروسازان به رئیس‌جمهور در نهایت به ارز ختم می‌شود؟

آیا شایعه کوتاه شدن ۶۰ متری قله دماوند صحیح است؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد قله نه تنها کوتاه نشده که هر سال دو میلی‌متر رشد داشته است

دماوند هر سال قد می‌کشد

سال ۱۹۸۶ یک آمریکایی ارتفاع قله K2 را بیش از اورست اعلام می‌کند اما در نهایت این خطا در ۱۹۸۷ تصحیح می‌شود

گزارش

نقد نامه مدیرعامل کرمان‌موتور به رئیس‌جمهور که در ظاهر برای حمایت از صنعت خودرو نوشته شده اما در حقیقت به دنبال سهم بیشتر از دلارهای وارداتی است

مونتاز در چرخه رانت و وابستگی ارزی

چرا هر نامه خودروسازان به رئیس‌جمهور در نهایت به ارز ختم می‌شود؟

داخلی‌سازی‌شان تعویض لاستیک خودرو چینی با لاستیک ساخت داخل است و همین تغییر کوچک را به عنوان تولید داخل برای دولت فاکتور می‌کنند!

دفاع از صنعت خودرو با طمع برای ارز بیشتر؟
در ظاهر نامه، مدیرعامل کرمان‌موتور نگران آینده صنعت است، اما هدف از نامه در قسمتی که خواستار تخصیص ۷۰ درصد منابع ارزی واردات خودرو به واردات CKD است، خلاصه می‌شود. وقتی در سال ۱۴۰۲ تنها همین شرکت ۷۴۸ میلیون دلار ارزشی داشته و نسبت به سال ۱۴۰۱ رشد ۷۶ درصدی را تجربه کرده است، دیگر سخن گفتن از «فشار مالی و رکود تولید» باورپذیر نیست. این رقم آن قدر بزرگ است که بتوان آن را با بودجه برخی نهادهای عمومی کشور مقایسه کرد. برای مثال، کل بودجه سالانه سازمان محیط زیست ایران کمتر از همین رقم است. به عبارتی دیگر ارزشی کرمان‌موتور معادل واردات چند میلیون تن گندم یا داروی حیاتی برای چند ماه کشور است. با چنین حجم ارزی، اگر هنوز فناوری در حد دهه قبل مانده، مشکل نه در سیاست دولت، بلکه در شیوه مصرف منابع درون شرکت است.

وقتی چرخه قدیمی واردات قطعات آماده از چین، سرهم‌بندی در ایران و فروش آن با برچسب «تولید داخل» است. در واقع، دغدغه اصلی این شرکت‌ها نه رقابت کیفی با برندهای جهانی، بلکه تضمین دریافت دلار دولتی است؛ دلاری که اگر قرار بود صرف ارتقای فناوری شود، امروز شاهد پیشرفتی واقعی در طراحی و مهندسی خودرو بودیم. در عمل اما آنچه نصیب مردم شده، خودروهایی با ظاهر بز کشته و روحی چینی است.

ادعای فناوری با خودروهایی ۱۳ سال پیش
جایی در نامه فیروززی از «لزوم توسعه فناوری و خودروهایی هیبریدی و برقی» سخن گفته شده است. اما نگاهی به محصولات این شرکت نشان می‌دهد فاصله شعار تا واقعیت تا چه اندازه زیاد است. نمونه روشن آن، خودروی ایکل است؛ همان جک ۴ چینی که طراحی آن به سال ۲۰۱۲ میلادی برمی‌گردد. حالا کرمان‌موتور با تغییر جزئی در ظاهر و نام‌گذاری، آن را محصول جدید خود معرفی می‌کند و حتی بر پایه همان پلتفرم، مدل هاچ‌بک تازه‌ای هم در دست ساخت دارد! در صنعتی که هنوز بعد از بیش از سه دهه فعالیت نتوانسته موتور یا پلتفرم اختصاصی خود را بسازد، صحبت از «فناوری» بیشتر شبیه یک شوخی تلخ است تا برنامه توسعه. به بیان ساده‌تر، کرمان‌موتور و شرکت‌های مشابه نه سازنده‌اند، نه ناور؛ بلکه مونتاژکارانی هستند که محصولی از پیش ساخته را با مهر داخلی‌سازی عرضه می‌کنند.

صنعت خودرو یا تجارت قطعه؟
فیروززی در نامه‌اش بارها از «صنعت خودرو» سخن گفته، اما پرسش مهم این است: آیا واقعا می‌توان این مجموعه‌ها را «صنعت خودرو» نامید؟ صنعت زمانی معنا دارد که از طراحی تا تولید، از مهندسی تا فناوری، محصولی بومی و رقابتی تولید شود. اما آنچه در بسیاری از شرکت‌های مونتاژکار رخ می‌دهد، چیزی بیش از تجارت قطعه نیست؛ واردات نیمه‌آماده، اتصال در خط تولید و فروش با قیمت معادل خودروهایی روز دنیا. وقتی شرکت‌ها برای تغییر یک قطعه یا رنگ بدنه هم وابسته به کارخانه‌های چینی هستند، چگونه می‌توان از صنعت سخن گفت؟ مونتاژکاران داخلی در حالی خود را جزوی از صنعت خودرو و حتی در مواردی به عنوان تولیدکننده داخلی می‌دانند که نهایت

روایت

سراب نیلوفر کرمانشاه بی جان شد

طریق کشاورزی‌های غیراصولی قصد دارند به سودهای هنگفتی برسند، گفت: متأسفانه ما در این اتفاقات اکوسیستم‌هایی را از دست می‌دهیم که شاید در طول یک میلیون سال به وجود آمده باشند و این می‌طلبد که یک مدیر پرت جامعی یافته است که در بلندمدت می‌تواند منجر به فرونشست زمین شود.

ثربا قربانی، معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی اداره کل حفاظت محیط زیست استان کرمانشاه در این زمینه به ایرنا گفت: هر سال خشک شدن تالاب زیبایی سراب نیلوفر اتفاق می‌افتد و هر سال نیز مسئولان به راحتی از کنار آن عبور کرده و آن را گردن کمبود باران و بارندگی می‌اندازند.

قربانی با بیان اینکه این موارد باعث شده تا فشار زیادی روی این سراب و تالاب‌ها آورده شده و این مظاهر زیبایی طبیعی به تدریج به سمت نابودی حرکت کنند تأکید کرد: تداوم این روند فقط از دست دادن آب یک سراب نیست بلکه تعداد زیادی از گونه‌های زیستی را نیز که حیاتشان وابسته به آب این تالاب‌ها و سراب‌هاست رانیز ما از دست می‌دهیم که نمونه بارز آن نیلوفر موجود در سراب نیلوفر است که گونه ارزشمندی به شمار می‌رود و هم اکنون منقرض شده است.

کاهش سطح ایستابی آب‌های زیرزمینی
وی تصریح کرد: هر چند با آغاز بارندگی‌ها امید به احیای سراب نیلوفر وجود دارد ولی وقتی که سطح ایستابی آب به دلیل مصارف بی‌رویه آب از سفره‌های زیرزمینی پایین می‌رود قطعاً اگر بارندگی هم خیلی خوب باشد روند خشک شدن این منابع آبی همچنان تداوم خواهد داشت. قربانی تأکید کرد: کاهش بارندگی‌ها و از سویی بهره‌برداری‌های بی‌رویه از منابع آبی رودخانه‌ها برای امور کشاورزی و چاه‌های مجاز و غیرمجاز در استان به ویژه تالاب هشیلان، رودخانه‌ها و سراب‌های تامین کننده آب این تالاب از جمله سراب نیلوفر شده است.

وی با بیان اینکه این اتفاق‌ها از نتایج سودجویی عده‌ای است که از



محمود فکری، کاپیتان پیشین استقلال در گفت‌وگو با هفت‌صبح از پوستر باشگاه، حمایت نکردن هواداران و بی‌عدالتی‌های گوید

پوستر ۸۰ سالگی باشگاه به عمد دستکاری شده

پرسپولیسی‌ها می‌دانند شماره پیراهن من ۸ نبوده؛ نتایج ساینپتو را می‌گرفتم، من را در میدان آزادی اعدام می‌کردند

گزارشی از رقابت سخت صنایع غذایی ایران در بازارهای داخلی و خارجی و تأثیر آن بر کیفیت کالاها و چالش صادرات

طعم وطن در بشقاب جهان

بحران اعتماد در پلتفرم‌های ایرانی

فصل ناتمام اعتماد

دو سر یال استارنت نیمه‌کاره ماند؛ بدون اطلاع، بدون عذرخواهی و بدون حتی وعده‌ای برای بازگشت

درباره جنبه نمایشی طرح کاشت یک میلیارد درخت

نهال‌هایی روی کاغذ

انتخاب گونه‌های غیر بومی و غیر جنگلی از جمله نهال‌هایی مناسب زراعت چوب اهداف نمایشی پیدا کرده است

گفت‌وگو با مریم قجر، بازیگری که دیگر نمی‌خواهد به عنوان بدل آنجلینا جولی شناخته شود

مریم هستم نه آنجلینا

هیچ عمل زیبایی روی صورت‌م انجام نداد‌ام؛ عاشق کاراکتر نیکی کریمی هستم

گفت‌وگو با مریم قجر، بازیگری که دیگر نمی‌خواهد به عنوان بدل آنجلینا جولی شناخته شود

مریم هستم نه آنجلینا

هیچ عمل زیبایی روی صورت‌م انجام نداد‌ام؛ عاشق کاراکتر نیکی کریمی هستم

گفت‌وگو با مریم قجر، بازیگری که دیگر نمی‌خواهد به عنوان بدل آنجلینا جولی شناخته شود

مریم هستم نه آنجلینا

هیچ عمل زیبایی روی صورت‌م انجام نداد‌ام؛ عاشق کاراکتر نیکی کریمی هستم

گفت‌وگو با مریم قجر، بازیگری که دیگر نمی‌خواهد به عنوان بدل آنجلینا جولی شناخته شود

مریم هستم نه آنجلینا

هیچ عمل زیبایی روی صورت‌م انجام نداد‌ام؛ عاشق کاراکتر نیکی کریمی هستم

گفت‌وگو با مریم قجر، بازیگری که دیگر نمی‌خواهد به عنوان بدل آنجلینا جولی شناخته شود

مریم هستم نه آنجلینا

هیچ عمل زیبایی روی صورت‌م انجام نداد‌ام؛ عاشق کاراکتر نیکی کریمی هستم

گفت‌وگو با مریم قجر، بازیگری که دیگر نمی‌خواهد به عنوان بدل آنجلینا جولی شناخته شود

مریم هستم نه آنجلینا

هیچ عمل زیبایی روی صورت‌م انجام نداد‌ام؛ عاشق کاراکتر نیکی کریمی هستم

گفت‌وگو با مریم قجر، بازیگری که دیگر نمی‌خواهد به عنوان بدل آنجلینا جولی شناخته شود

مریم هستم نه آنجلینا

هیچ عمل زیبایی روی صورت‌م انجام نداد‌ام؛ عاشق کاراکتر نیکی کریمی هستم



طعم وطن در بشقاب جهان



صنعت غذا در ایران با گردش مالی سالانه نزدیک به ۱۰۰ میلیارد دلار به عنوان یکی از بزرگ ترین و پر تحرک ترین بخش های تولیدی کشور شناخته می شود. این صنعت با بیش از ۱۵ هزار واحد فعال، سهمی قابل توجه در اشتغال دارد و از نظر حجم فعالیت در جایگاه سومین صنعت بزرگ ایران قرار گرفته است. سال ۱۴۰۳، صادرات محصولات غذایی، کشاورزی، لبنی، شیلاتی و فرآوری شده به بیش از ۷ میلیارد دلار رسید که نشان دهنده ظرفیت بالای این صنعت در توسعه تجارت غیر نفتی کشور است و از طرف دیگر حکایت از این دارد که بازار داخلی کاملاً رقابتی است و شرکت ها باید به دنبال صادرات باشند.

بازارهای هدف صادراتی ایران در حوزه صنایع غذایی عمدتاً در منطقه غرب آسیا و اوراسیا متمرکز هستند. عراق، امارات، افغانستان، ترکیه، هند و روسیه از مهم ترین مقاصد صادراتی محسوب می شوند. عراق همچنان بزرگ ترین شریک تجاری ایران در این حوزه است و تنها کشوری است که ایران با آن تراز تجاری مثبت دارد. در سال های اخیر، روسیه نیز به ویژه پس از تحریم های غرب، به یکی از بازارهای مهم برای محصولات لبنی، میوه، سبزیجات و فرآورده های غذایی ایران تبدیل شده است. این کشور در تلاش برای جایگزینی تأمین کنندگان غذایی، بخشی از نیاز خود را از ایران تأمین کرده، هرچند رقابت با کشورهایی مانند ترکیه و چین در این بازار همچنان شدید است.



افزایش ۱۶ برابری نرخ ارز رسمی در شش سال اخیر، وابستگی ساختاری اقتصاد ایران به دلار را تشدید کرده و هزینه های تولید صنایع غذایی را به شدت بالا برده است



رقابت منفی میان شرکت های ایرانی در بازارهای همسایه از جمله کاهش غیرمنطقی قیمت و افت کیفیت، اعتبار برند ملی را تهدید کرده و فرصت های صادراتی را محدود ساخته است

گزارش ۲

چرا مشتریان بازار خودرو ایران با وجود رکود بازار از قیمت ها ناراضی هستند؟

خودرو ملی بدون رقابت واقعی



آزاد کلهر
هفت صبح

در حالی که بسیاری از کشورها با تکیه بر رقابت پذیری، نوآوری و بهره‌وری، صنعت خودرو را به موتور محرک اقتصاد خود تبدیل کرده‌اند، در ایران این صنعت به نقطه‌ای رسیده که نه تنها از رقابت جهانی عقب مانده، بلکه در بازار داخلی نیز با بحران‌های فراوانی دست‌وپنجه نرم می‌کند. تأخیرهای مکرر در تحویل خودرو، پیشنهادهای جایگزین خارج از انتخاب مشتری و انحصارگرایی پنهان در ساختار بازار، همگی نشانه‌هایی از عملکردی هستند که به جای پاسخ‌گویی به نیاز مصرف‌کننده، به حفظ موقعیت انحصاری خودروسازان می‌اندایند. ضعف در تولید قطعات با تیراژ بالا و کیفیت قابل قبول، نه تنها قیمت تمام‌شده را افزایش داده، بلکه اعتماد عمومی را نیز به شدت تضعیف کرده است.

در چند وقت اخیر خبرهای منتشر شده مبنی بر تجمع اعتراض‌آمیز ثبت‌نام کنندگان خودروهای داخلی به دلیل تعویق در تحویل خودرو و یا پیشنهاد جایگزین کردن خودرو بر محصول دیگری که انتخاب آنها نبوده است، خودروسازان به بهانه کمبود قطعات، ضعف در تأمین مالی و ... هر ساله همین مشکلات را برای خریداران ایجاد می‌کند. در واقع صنعت خودرو ایران سال‌هاست با چالش‌هایی ریشه‌دار در حوزه تولید، تأمین قطعات و سیاست‌گذاری مواجه است؛ چالش‌هایی که نه تنها بهانه عدم ارتقا کیفیت و تیراژ تولید شده‌اند، بلکه ساختار بازار خودرو را به سمت حفظ انحصار و مقاومت در برابر رقابت سوق داده‌اند. در حالی که بسیاری از کشورها با تکیه بر رقابت‌پذیری، بهره‌وری و نوآوری، صنعت خودرو را به موتور محرک اقتصاد خود تبدیل کرده‌اند، در ایران این صنعت همچنان در گیر مشکلاتی است که از ضعف در تولید قطعات با تیراژ بالا و کیفیت قابل قبول نشأت می‌گیرد.

قیمت تمام‌شده بالا حاصل ناکارآمدی در تولید

یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش قیمت تمام‌شده خودرو در ایران، نحوه عرضه مواد اولیه داخلی است. با وجود تولید این مواد در داخل کشور، قیمت‌گذاری آن‌ها در بورس کالا بر اساس نرخ‌های جهانی انجام می‌شود. این سازوکار، شرایط تورمی و کاهش ارزش پول ملی، فشار مضاعفی بر قطعه‌سازان وارد کرده و توان رقابت را از آنان گرفته است. معاملات نقدی و نبود تسهیلات پرداخت نیز موجب شده

ترکیب صادرات صنایع غذایی ایران

ترکیب صادرات صنایع غذایی ایران در سال گذشته نشان می‌دهد که محصولات زراعی و باغی با بیش از ۶۵ میلیون تن صادرات و ارزشی بالغ بر ۳۹ میلیارد دلار، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. پس از آن، محصولات دامی و لبنی با ۸۵۶ هزار تن و ۱۲ میلیارد دلار و فرآورده‌های غذایی آماده با ۱۴ میلیون تن و ۱۰۱ میلیارد دلار در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این آمارها نشان می‌دهد که تنوع محصول و ظرفیت تولید در ایران، امکان پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع بازارهای منطقه‌ای را فراهم کرده است.

با وجود این ظرفیت‌ها، حفظ و توسعه سهم ایران در بازارهای صادراتی نیازمند ارتقا استانداردهای کیفی، بهبود بسته‌بندی، تقویت زیرساخت‌های لجستیکی و سیاست‌گذاری صادراتی هوشمند است. رقابت منفی میان شرکت‌های ایرانی، به‌ویژه در بازارهای همسایه برای تصاحب سهم همدیگر، یکی از چالش‌های جدی این صنعت است که می‌تواند به تضعیف برند ملی و کاهش

اعتماد خریداران خارجی منجر شود.

در مجموع، صنایع غذایی ایران با برخورداری از موقعیت جغرافیایی مناسب، تنوع اقلیمی، نیروی انسانی متخصص و زیرساخت‌های تولیدی گسترده، توانسته جایگاه قابل توجهی در بازارهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای کسب کند. با رشد صادرات و افزایش تقاضا از سوی کشورهای همسایه و روسیه، این صنعت در مسیر توسعه قرار دارد. اما برای تثبیت این مسیر، باید از رقابت‌های مخرب خارجی برهیز و با نگاه بلندمدت، زیرساخت‌های تجاری و صادراتی را تقویت کرد.

اقتصاد ایران طی دهه‌های اخیر به شکلی ساختاری به نرخ ارز، به‌ویژه دلار وابسته شده است و وابستگی‌ای که نه تنها سیاست‌گذاری‌های کلان را تحت تأثیر قرار داده، بلکه به‌طور مستقیم بر معیشت مردم و قیمت کالاهای اساسی سایه افکنده است. این وابستگی، نتیجه مجموعه‌ای از تصمیمات قانونی، ساختارهای اجرایی و جهت‌گیری‌های نهادهای اقتصادی است که اقتصاد کشور را به نرخ‌های جهانی و بازارهای

خارجی پیوند زده‌اند. بررسی روندهای اقتصادی نشان می‌دهد که تورم کنونی در تقاضای صنایع غذایی تأثیرگذار بوده و شرکت‌ها مجبور هستند به بازارهای صادراتی بیشتر فکر کنند به ویژه در مقطع کنونی که اسنپ یک اجرا شده کمی چالش‌ها افزایش یافته است.

یکی از عوامل کلیدی در تفاوت تقاضا، دلاری شدن شاخص‌های اقتصادی است. در ۶ سال اخیر، نرخ ارز رسمی بیش از ۱۶ برابر شده و این افزایش، به‌طور مستقیم بر قیمت کالاها و صنایع غذایی اثر گذاشته است. در حالی که درآمد‌ها همچنان ریالی باقی مانده‌اند، هزینه‌ها با دلار تنظیم می‌شوند، در نتیجه خرید محصولات غذایی با کیفیت کاهش یافته است. از طرف دیگر در سال‌های گذشته شرکت‌های بیشتری در حوزه صنایع غذایی شکل گرفته‌اند و این مسئله منجر به افزایش تنوع و عرضه محصولات غذایی شده است و حتی برخی شرکت‌ها برای اینکه بتوانند محصولات را به کشورهای مختلف از روسیه تا هند صادرات کنند با ذائقه‌های مختلف تولید می‌کنند و این موضوع تنوع خرید برای بازار داخلی را نیز بیشتر کرده است.

صنایع غذایی و لبنی با وجود ظرفیت‌های فنی، کیفیت قابل قبول و سابقه صادراتی، در بازار کشورهای منطقه سهم قابل توجهی در بازارهای خارجی ندارند که بخشی از این مسئله به ضعف زیرساخت‌های لجستیکی برمی‌گردد و کمبود کامیون‌های یخچال‌دار و متوقف شدن آنها برای مدت طولانی در مبادی ورودی و خروجی گمرکات منجر شده ایران نتواند در صادرات صنایع غذایی از تمام ظرفیت خود استفاده کند. هرچند در حال حاضر محصولات لبنی ایران، به‌ویژه در حوزه شیر، ماست، پنیر و فرآورده‌های پروتئینی، در بازارهایی چون عراق، افغانستان، پاکستان و کشورهای حوزه خلیج فارس، با استقبال نسبی مواجه شده‌اند و توان رقابت با برندهای منطقه‌ای را دارند.

جنگ قیمتی صنایع غذایی

البته همین ظرفیت صادراتی، در غیاب سیاست‌گذاری منسجم و تنظیم‌گری هوشمند، به میدان رقابت منفی میان شرکت‌های ایرانی تبدیل شده است. در تلاش برای تصاحب سهم بیشتر از بازارهای همسایه، برخی شرکت‌های لبنی اقدام به کاهش غیرمنطقی قیمت، حذف استانداردهای کیفی، یا استفاده از مسیرهای غیررسمی کرده‌اند که نه تنها سودآوری پایدار را تهدید می‌کند، بلکه اعتبار برند ملی را نیز زیر سوال می‌برد.

این رقابت مخرب، در عمل به تضعیف جایگاه ایران در بازارهای منطقه منجر شده است. شرکت‌ها به جای هم‌افزایی و توسعه بازار، درگیر جنگ قیمتی شده‌اند که در نهایت منجر به کاهش کیفیت،

افزایش هزینه‌های پنهان و بی‌اعتمادی خریداران خارجی شده است. در برخی موارد، اختلافات تجاری میان شرکت‌های ایرانی در کشورهای مقصد، به توقف سفارش‌ها یا محدودیت‌های وارداتی انجامیده است که در بلندمدت می‌تواند فرصت‌های صادراتی را از بین ببرد.

واکنش صنایع غذایی به اسنپ یک چیست؟

محصولات لبنی به دلیل تحریم‌پذیری پایین، ارزش افزوده بالا و تقاضای رو به رشد در بازارهای منطقه‌ای و جهانی، می‌توانند نقش موثری در کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی ایفا کنند. رشد تقاضا برای فرآورده‌های سلامت‌محور مانند محصولات ارگانیک، کم‌چرب و پروبیوتیک، به‌ویژه در وضعیت‌های شهری کشورهای همسایه، فرصت مناسبی برای ورود هدفمند صنایع لبنی ایران به بازارهای صادراتی فراهم کرده است. همچنین اعتبار برندهای ایرانی در حوزه محصولات غذایی حلال، مزیت رقابتی قابل توجهی در بازارهای اسلامی و منطقه‌ای ایجاد کرده است.

نزدیکی جغرافیایی، هزینه حمل‌ونقل پایین و شناخت فرهنگی میان ایران و کشورهای آسیای می‌کزی و خاورمیانه، زمینه‌ساز حفظ صادرات لبنیات به این مناطق شده است. علاوه بر آن، بازارهای آفریقایی نیز با توجه به رشد تقاضای وارداتی و نیاز به تأمین پایدار مواد غذایی، ظرفیت بالقوه‌ای برای گسترش حضور برندهای ایرانی دارند. تحولات ژئوپلیتیکی اخیر در منطقه، از جمله افزایش تنش‌ها و کاهش محبوبیت برندهای وابسته به رژیم صهیونیستی، نیز فضای رقابتی جدیدی برای برندهای ایرانی فراهم کرده است تا سهم بیشتری از بازار را به خود اختصاص دهند.

با این حال پایش مستمر استانداردهای سلامت، کیفیت و الزامات قانونی بازارهای هدف، از جمله گواهی حلال در کشورهای اسلامی و الزامات زیست‌محیطی در اروپا، برای حفظ و توسعه بازارهای صادراتی ضروری است. طراحی سیستم‌های هشدار سریع برای تطبیق با تغییرات قانونی، توسعه بسته‌بندی هوشمند و قابل‌ردیابی و تولید متناسب با ذائقه مصرف‌کنندگان خارجی، از جمله اقدامات کلیدی برای افزایش دسترسی به بازارهای هدف محسوب می‌شود.

در این مسیر، استفاده از ابزارهای هوشمند مانند اطلس تجارت ایران می‌تواند نقش مهمی در شناسایی فرصت‌های صادراتی، تحلیل رقیب، تخصیص منابع و حرکت به‌سوی مدل‌های داده‌محور و تحریم‌گریز ایفا کند. ایسن ابزار با ارائه تصویر جامع از بازارهای هدف، مسیرهای صادراتی پهنه و مزیت‌های نسبی ایران، به تصمیم‌سازی راهبردی در شرایط تحریمی کمک خواهد کرد.

گزارش

بازی ژئوپلیتیک نفت



حامد شایگان
هفت صبح

پس از اجرای رسمی مکانیسم اسنپ یک از سوی اروپا، چشم‌انداز اقتصادی ایران در حوزه انرژی با محدودیت‌های جدی مواجه شده است. در شرایطی که صادرات نفت ایران تحت فشار تحریم‌های مضاعف قرار دارد و مسیرهای مالی و تجاری به شدت محدود شده‌اند، تنها امید باقی‌مانده برای حفظ درآمدهای ارزی، افزایش قیمت جهانی نفت است که در مقطع کنونی بیش از آنکه به ظرفیت‌های تقاضای جهانی وابسته باشد، به تحولات ژئوپلیتیکی و اختلافات عرضه در بازار جهانی گره خورده است.

در همین راستا، ایالات متحده تلاش کرده با فشار به عراق برای افزایش صادرات و صدور مجوز فروش نفت اقلیم کردستان، سطح عرضه جهانی را بالا نگه دارد تا مانع از جهش قیمت‌ها شود. با این حال، محدودیت‌های شدید بر صادرات نفت ونزوئلا و ایران، به‌همراه حملات مکرر به زیرساخت‌های انرژی روسیه، موجب شده بازار جهانی نفت در وضعیت شکننده‌ای قرار گیرد و این پرسش را پیش بکشد که آیا زمستان پیش‌رو برای اروپا، به‌ویژه در حوزه انرژی، سخت‌تر از سال‌های گذشته خواهد بود؟

در بازار معاملات آتی، قیمت نفت برنت به ۹۱ سنت افزایش (معادل ۱.۴ درصد) به ۶۵.۴۴ دلار در هر بشکه رسید و نفت وست تگزاس اینترمدیت نیز با رشد ۸۹ سنتی (۱.۵ درصدی) به ۶۱.۷۷ دلار رسید. این افزایش در حالی رخ داد که هفته گذشته نفت برنت با سقوط ۸.۱ درصدی و نفت آمریکا با افت ۷.۴ درصدی، بزرگ‌ترین کاهش هفتگی خود در سه ماه اخیر را تجربه کرده بودند.

افزایش اخیر قیمت‌ها عمدتاً ناشی از تصمیم اوپک پلاس برای افزایش محدود تولید در ماه نوامبر است؛ تنها ۱۲۷ هزار بشکه در روز، رقمی که کمتر از انتظارات بازار بود. در نشست اخیر، روسیه پیشنهاد افزایش محدود را مطرح کرد تا از فشار نزولی بر قیمت‌ها جلوگیری کند، اما عربستان سعودی خواهان افزایش بیشتر برای بازپس‌گیری سهم بازار بود.

در کنار این تصمیم، حملات اوکراین به تأسیسات انرژی روسیه، از جمله پالایشگاه کرینسک با ظرفیت سالانه بیش از ۲۰ میلیون تن، نیز به نگرانی‌ها درباره اختلال در عرضه دامن زده است. در همین حال، کشورهای گروه هفت اعلام کرده‌اند که فشار بر کشورهای که به خرید نفت روسیه ادامه می‌دهند را افزایش خواهند داد.

با وجود این تحولات، تحلیلگران هشدار می‌دهند که ضعف تقاضای جهانی در فصل زمستان، نبود محرک‌های صعودی جدید و آغاز فصل تعمیرات پالایشگاه‌ها، می‌تواند مانع از رشد پایدار قیمت‌ها شود. بازار نفت به‌تدریج وارد فاز اشباع عرضه می‌شود و داده‌های کلان اقتصادی نیز نشانه‌ای از افزایش تقاضا نشان نمی‌دهند.

در چنین شرایطی، ایران با محدودیت در صادرات و کاهش دسترسی به بازارهای جهانی، بیش از هر زمان دیگر به نوسانات قیمت جهانی نفت وابسته شده است. هر گونه افزایش قیمت می‌تواند نقش ضربه‌گیر در برابر فشارهای تحریمی ایفا کند، اما این امید به‌طور کامل در گرو تحولات خارج از کنترل ایران است از تصمیمات اوپک پلاس گرفته تا حملات ژئوپلیتیکی و رفتار کشورهای مصرف‌کننده موثر است. زمستان پیش‌رو، آزمون‌ی برای تاب‌آوری بازار انرژی و سنجش اثرگذاری تحریم‌ها هم برای اروپا، هم برای تولیدکنندگانی همچون روسیه و ایران خواهد بود.

در حال حاضر تنها سناریو این است که اگر روسیه و ایران بخش عمده‌ای از نفت خود را به بازارهای آسیایی منتقل کنند، به‌ویژه چین، هند و کشورهای جنوب شرق آسیا، بازار انرژی اروپا با محدودیت‌های جدی در تأمین مواجه خواهد شد. این جابه‌جایی در مسیر صادرات، نه تنها به کاهش عرضه مستقیم برای اروپا منجر می‌شود، بلکه فشار روانی بر بازارهای جهانی ایجاد می‌کند و می‌تواند قیمت نفت برای مصرف‌کنندگان اروپایی را به‌طور قابل توجهی افزایش دهد به‌ویژه در فصل زمستان که تقاضا برای انرژی به‌طور سنتی بالا می‌رود.

در چنین سناریویی، اروپا ناگزیر خواهد بود به منابع جایگزین روی آورد. ایالات متحده یکی از گزینه‌های اصلی برای تأمین انرژی اروپا محسوب می‌شود، اما ظرفیت صادراتی آمریکا نیز محدودیت‌هایی دارد. صادرات نفت خام و گاز طبیعی مایع (LNG) آمریکا در سال‌های اخیر افزایش یافته، اما زیرساخت‌های حمل‌ونقل، ظرفیت پالایش، و تعهدات بلندمدت با دیگر کشورها، مانع از پاسخ‌گویی کامل به نیاز فوری اروپا خواهد بود. علاوه بر این، هزینه حمل و قیمت تمام‌شده نفت آمریکایی برای اروپا بالاتر از منابع منطقه‌ای است، که خود عاملی برای افزایش قیمت‌ها در بازار مصرف خواهد بود.

از سوی دیگر، اگر روسیه و ایران با هدف تقویت روابط ژئوپلیتیکی و کاهش وابستگی به غرب، صادرات خود را به‌طور کامل به آسیا هدایت کنند، اروپا با یک خلأ راهبردی در حوزه انرژی مواجه می‌شود. این خلأ تنها اقتصادی نیست، بلکه سیاست‌های بلندمدت آنها را نیز با چالش مواجه می‌کند، چرا که وابستگی به آمریکا و برخی تولیدکنندگان آفریقایی یا خاورمیانه‌ای، قدرت چانه‌زنی اروپا را در بازار انرژی کاهش می‌دهد.

در مجموع، تغییر مسیر صادرات نفت ایران و روسیه به سمت آسیا، می‌تواند به افزایش قیمت نفت برای اروپا، تشدید رقابت بر سر منابع جایگزین و فشار مضاعف بر مصرف‌کنندگان اروپایی منجر شود. آمریکا اگرچه می‌تواند بخشی از این نیاز را تأمین کند، اما نه به سرعت و نه به قیمت مناسب و نه در بلندمدت. بنابراین وضعیت زمستان پیش‌رو، قابل پیش‌بینی نیست و به قول ترامپ باید دید چه می‌شود!



خودروسازان به‌جای رقابت بر سر کیفیت و قیمت، تلاش می‌کنند با حفظ انحصار، ضعف‌های تولیدی خود را پنهان کنند و از فشار بازار آزاد فرار کنند. نتیجه این رویکرد، کاهش اعتماد عمومی، افت سرمایه‌گذاری در صنعت و ناتوانی در پاسخ‌گویی به تقاضای واقعی بازار بوده است.

برای خروج از این وضعیت، صنعت خودرو ایران نیازمند بازنگری جدی، سیاست‌گذاری بازار و واردات مدل‌های رقابتی است. بدون اصلاحات بنیادین، نه تنها بازار خودرو بهبود نخواهد یافت، بلکه شکاف میان تقاضا و عرضه، نارضایتی عمومی و زبان‌های انباشته، روزه‌روز عمیق‌تر خواهد شد.

بنابراین آنچه امروز در صنعت خودرو ایران مشاهد می‌شود، نه صرفاً حاصل تحریم‌ها یا کمبود منابع، بلکه نتیجه انباشته‌ای از سیاست‌گذاری‌های محافظه‌کارانه، ساختارهای غیررقابتی و بی‌توجهی به الزامات بازار آزاد است. خودروسازان به‌جای اصلاح مسیر تولید، ارتقا کیفیت پاسخ‌گویی به نیاز واقعی مصرف‌کننده، در پی تثبیت انحصار و کنترل بازار باقی‌مانده‌اند که اعتماد عمومی را فرسوده و سرمایه‌گذاری، اشتغال و نوآوری را نیز به حاشیه رانده است.

در حال حاضر هر گونه اصلاح باید از سطح ساختار آغاز شود؛ بازتعریف نقش دولت در بازار خودرو، حذف انحصار، تسهیل واردات رقابتی و الزام خودروسازان به پاسخ‌گویی شفاف و عملکرد بهتر. بدون این تغییرات، صنعت خودرو نه تنها از رقابت جهانی عقب خواهد ماند، بلکه در داخل نیز به نماد ناکارآمدی، نارضایتی و فرصت‌سوزی تبدیل خواهد شد.

تبعات ضعف واردات خودرو

در مقطع کنونی تقاضا برای خودرو در بازار داخلی مانند گذشته بالا نیست، با این حال عرضه محدود و کیفیت ناپایدار باعث شده قیمت‌ها به‌صورت غیرمنطقی افزایش یابد. نبود رقابت واقعی، ورود محدود برندهای خارجی و وابستگی شدید بازار به دو خودروساز بزرگ، موجب شده مصرف‌کنندگان با انتخاب‌های اندک، قیمت‌های بالا و زمان تحویل طولانی مواجه شوند. این وضعیت، بازار خودرو را از حالت تعادلی خارج کرده و آن را به بستری برای سوداگری، دلالتی و نارضایتی عمومی تبدیل کرده است.

از سوی دیگر، عملکرد ضعیف خودروسازان در ارتقا فناوری، بهینه‌سازی خطوط تولید و پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع بازار، باعث شده سهم ایران از بازارهای منطقه‌ای و صادراتی نیز در حد صفر باقی بماند. در حالی که بسیاری از کشورها با تولید خودروهای اقتصادی، کم‌مصرف و ایمن، بازارهای جدیدی را فتح کرده‌اند، صنعت خودرو ایران همچنان درگیر تولید مدل‌های قدیمی با فناوری‌های فرسوده است. این عقب‌ماندگی، نه تنها فرصت‌های مصرف‌کنندگان برای خرید خودرو با کیفیت را از بین برده، بلکه بازار داخلی را به سمت انحصار و کنترل غیررقابتی قیمت‌ها سوق داده شده

بررسی رفتار سیاسی مجلس دوازدهم در استیضاح وزیر کار که در میانه نظارت واقعی، رقابت جناحی و نمایش قدرت سرگردان است

بازی تازه با ابزار قانون

هفت صبح | اخیراً زهرا سعیدی مبار که، نماینده مجلس دوازدهم از وجود دو فهرست برای استیضاح احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی خبر داد. یکی با بیش از ۵۰ امضا و دیگری با ۲۵ امضا که در اعتراض به تعلل در پیگیری تشکیل شده است. او گفت که «۲۵ نماینده با «استامپ قرمز به نشانه خون» سوگند یاد کردند که از امضای خود

عقب‌نشین نکنند.» در میان امضاکنندگان نام‌هایی چون زهرا خدادادی، عباس گودرزی و رضایی کوچی دیده می‌شود. سعیدی تأکید کرد وضعیت رفاه در کشور قابل قبول نیست. میدری نخستین وزیری است که کارت زرد مجلس دوازدهم را دریافت کرده و طرح استیضاحش با ۵۸ امضا ثبت شده است. بی‌تردید، نظارت بر عملکرد دولت و وزرا یکی از مهم‌ترین وظایف مجلس شورای اسلامی است. قانون اساسی نیز ابزارهایی چون سؤال، تحقیق و تفحص و در نهایت استیضاح را برای اعمال این نظارت در اختیار نمایندگان قرار داده است. فلسفه وجودی این ابزارها، تضمین «حسن اجرای قانون» و «پاسخگویی مسئولان» است. اما آنچه این روزها در رفتار بخشی از نمایندگان مجلس دیده می‌شود، بیش از آنکه نشانه‌ای از نظارت اصولی باشد، رنگ و بوی سیاسی به خود گرفته است.

ترکیب استیضاح‌کنندگان، نوع ادبیات

به کاررفته و نمادهایی چون «استامپ قرمز به رنگ خون» که برخی نمایندگان برای تأکید بر عزم خود به کار گرفته‌اند، نشان می‌دهد که این روند، بیش از آنکه بر مبنای شاخص‌های عملکردی باشد، به سمت نوعی رفتار نمادین و شعاری رفته است. در واقع، استیضاح در مجلس دوازدهم از یک فرآیند نظارتی تبدیل به میدان نمایش سیاسی شده است.

به‌ویژه در مورد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، برخی استیضاح‌کنندگان بدون ارائه گزارش کارشناسی از ضعف‌های ساختاری وزارتخانه، بیشتر بر وعده‌ها و شعارهای عمومی تکیه کرده‌اند. این در حالی است که استیضاح در منطق پارلمانی باید آخرین مرحله از یک زنجیره نظارتی باشد، نه نخستین واکنش سیاسی. تبدیل این ابزار قانونی به ابزاری برای تسویه‌حساب جناحی، در نهایت می‌تواند هم جایگاه مجلس و هم کارآمدی دولت را تحت‌الشعاع قرار دهد.

نکته قابل تأمل دیگر آن است که برخی نمایندگان مجلس از «انتشار نام عقب‌نشینیان» سخن گفته‌اند و از «سوگند خون» برای استیضاح سخن رانده‌اند. چنین رفتارهایی بیش از آنکه نشانه پافشاری بر عدالت و شفافیت باشد، از نوعی هیجان سیاسی و نمادگرایی خطرناک خبر می‌دهد. رفتارهایی که در بلندمدت می‌تواند به فرسایش اعتماد عمومی نسبت به نهاد قانون‌گذاری منجر شود.

از استیضاح تا تضعیف دولت

گفتنی است که شهرپور امسال نیز امیر حسین ثابتی خبر داده بود که «حداقل استیضاح ۴ وزیر آماده وصول است اما فعلاً به دلیل شرایط جنگی، رئیس مجلس تلاش می‌کند تا روند استیضاح‌ها عقب بیفتد. بالاخره دیر یا زود تعداد دیگری از وزرا به سر نوشت همتی مبتلا خواهند شد. چون با ناکارآمد هستند یا مدیریت‌شان توأم با فساد است.» اظهارات این نماینده نشان داد که پشت پرده استیضاح‌ها صرفاً دغدغه عملکردی وجود ندارد. چنین بیانی آشکار می‌کند که آنچه در ظاهر «نظارت بر عملکرد» معرفی می‌شود، در واقع بخشی از یک پروژه بزرگ‌تر سیاسی است.

جریان پایداری و طیف‌های تندرو مجلس ظاهراً به دنبال آن هستند که با تکرار استیضاح‌های پیاپی، دولت چهاردهم را در موقعیتی شکننده و دفاعی قرار دهند. این رویکرد می‌تواند منجر به «تهی شدن دولت از وزرای کلیدی» شود؛ اتفاقی که در بلندمدت، نه تنها به کارآمدی دولت لطمه می‌زند، بلکه کشور را در معرض بی‌ثباتی مدیریتی قرار می‌دهد.

چرخ و فلک قدرت در کاخ ماتینیون

سیاستین لکورو تنها ۲۷ روز پس از انتصاب، به پنجمین «نخست‌وزیر سابق» فرانسه در دو سال

گذشته تبدیل شد

رامتین لطیفی
دیر بین‌الملل

سقف مجاز تعیین شده در مقررات اتحادیه است.

طوفان سیاسی در پاریس

در صحنه سیاسی، استعفای لکورو فرصتی طلایی برای مخالفان فراهم کرد. مارین لوپن، رهبر جریان راست افراطی، سقوط و ظهور دولت‌های پیاپی در دوران مکرون را «نمایشی رقت‌انگیز از تکرار» خواند و خواستار انحلال فوری مجلس ملی و برگزاری انتخابات زودهنگام شد. هم‌حزبی او، ژوردن باردلا، نیز اعلام کرد: «بدون بازگشت به رأی مردم، بازگشت به ثبات ممکن نیست.» در سوی دیگر، چپ‌گرایان نیز توپ را به زمین مکرون انداختند. ائتلاف چپ مرسوم به «فرانسه نافرمان» خواستار تشکیل دولت ائتلافی جدیدی با حضور سوسیالیست‌ها، سبزها و کمونیست‌ها شد، پیشنهادی که تاکنون پاسخی از کاخ الیزه نگرفته است. با این حال، مکرون همچنان بر موضع خود ایستاده و تأکید کرده است: «استعفای یک نخست‌وزیر به معنای بحران نهاد نیست.» او بارها گفته قصد انحلال پارلمان یا استعفای خود را ندارد.

پژواک اروپا از پاریس تا برلین

در برلین، سخنگوی دولت آلمان گفت: «فرانسه بایباث، ضامن اروپای بایباث است.» هرچند او افزود که دلیلی برای تردید در ثبات فرانسه نمی‌بیند اما لحن محتاطانه‌اش نشان از نگرانی شرکای اروپایی از خلأ سیاسی در قلب اتحادیه اروپا داشت. از رم تا مادرید نیز، رهبران اروپایی خواستار حفظ آرامش در بازارها و تداوم گفت‌وگو میان جناح‌های فرانسوی شدند. تحلیلگران در بروکسل هشدار می‌دهند که هرگونه بی‌ثباتی در دومین اقتصاد منطقه یورو می‌تواند بر اعتماد سرمایه‌گذاران به کل اتحادیه تأثیر منفی بگذارد.

لکورو: ر کورددار کوتاه‌ترین دولت

با استعفای لکورو، او سه رکورد تاریخی ثبت کرد: کوتاه‌ترین دوران نخست‌وزیری در تاریخ فرانسه با ۲۷ روز در قدرت، طولانی‌ترین دوران بدون تشکیل دولت (۲۶ روز از زمان انتصاب تا اعلام کابینه) و تنها نخست‌وزیری که حتی فرصت ارائه بیانیه سیاست‌های کلی خود را نیافت. کارشناسان سیاسی فرانسه معتقدند استعفای لکورو نه نتیجه ضعف شخصی او، بلکه محصول ساختار شکننده‌ای است که از انتخابات زودهنگام پارلمانی سال گذشته به‌جا مانده؛ انتخاباتی که مکرون را از اکثریت مطلق در مجلس محروم کرد و کشور را به صحنه‌ای از ائتلاف‌های موقت، رأی‌گیری‌های شکننده و بن‌بست‌های مزمن تبدیل ساخت.



اگر استیضاح به عرصه رقابت‌های جناحی تقلیل یابد، نتیجه‌ای جز تضعیف اعتماد عمومی و افزایش هزینة‌های حکمرانی نخواهد داشت

به بیان دیگر هدف از این استیضاح‌ها صرفاً اصلاح عملکرد وزرا نیست، بلکه ایجاد فشار سیاسی برای کنترل دولت از بیرون است. با توجه به اظهارات ثابتی، پروژه استیضاح می‌تواند بخشی از سناریوی گسترده‌تری باشد که در آن، دولت درگیر بحران‌های بی‌درپی شده و در فضای عمومی ناکارآمد جلوه کند. این وضعیت در نهایت می‌تواند زمینه را برای قدرت‌گیری دوباره جریان‌های خاص فراهم آورد.

حلقه مفقوده‌ای به نام تعادل میان قوا

درحالی که مجلس باید ناظر بر اجرای صحیح قانون و عملکرد وزرا باشد، تداوم فضای سیاسی و هیجانی در موضوع استیضاح می‌تواند تعادل میان قوا را برهم زند. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که استفاده مکرر و غیرمنطقی از ابزار استیضاح، نه تنها موجب اصلاح امور نمی‌شود، بلکه دولت‌ها را از تمرکز بر مدیریت بحران‌های اقتصادی و اجتماعی باز می‌دارد. آنچه اکنون ضرورت دارد، بازگشت به «عقلانیت پارلمانی» و «گفتمان کارشناسی» است. اگر هدف مجلس واقعاً ارتقای عملکرد دولت است، باید شاخص‌ها و معیارهای روشن عملکردی مبنای تصمیم‌گیری قرار گیرد، نه گرایش‌های جناحی. در غیر این صورت، استیضاح به جای آنکه ضامن پاسخگویی باشد، به ابزاری برای بی‌ثبات‌سازی بدل می‌شود. در عین حال، دولت نیز باید از موضع دفاعی خارج شود و با شفاف‌سازی درباره عملکرد وزرا، از فضاهای مبهمی که زمینه بهره‌برداری سیاسی را فراهم می‌کند، جلوگیری کند. جامعه امروز ایران بیش از هر زمان دیگری به تعامل مؤثر قوا نیاز دارد؛ نه کشمکش‌های نمادین و جناحی.

اگر استیضاح به‌عرصه رقابت‌های جناحی تقلیل یابد، نتیجه‌ای جز تضعیف اعتماد عمومی و افزایش هزینة‌های حکمرانی نخواهد داشت. راه‌برون‌رفت از این وضعیت، نه در «استامپ‌های قرمز» و نه در تهدیدهای تند سیاسی، بلکه در شفافیت، گفت‌وگو و تقویت نظارت مبتنی بر منافع ملی است. تنها در چنین شرایطی است که مجلس می‌تواند نقش واقعی خود را به عنوان «خانه ملت» ایفا کند و از لغزیدن به ورطه سیاست‌زدگی فاصله بگیرد. اکنون زمان آن است که هم دولت و هم مجلس، میان شعار و واقعیت، مسیر عقلانیت را برگزینند.

کیوسک

فایننشال تایمز انگلیس از آمادگی نمایندگان حماس برای شرکت در نشست‌های فشرده مذاکرات صلح در شرم‌الشیخ مصر خبر داد.

تاردین آمریکا، عکس و تیتیر اصلی خود را به دیدار ترامپ و ملوانان آمریکایی اختصاص داد. دیداری که ترامپ در آن از ادامه حمله به قایق‌های حمل مواد مخدر خبر داده است.

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



مسابقه یواف‌سی در کاخ سفید: در هشتادمین سالگرد تولد ترامپ!



دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، اعلام کرد که مسابقه بزرگ سازمان یواف‌سی (UFC) در محوطه کاخ سفید در تاریخ ۱۴ ژوئن برگزار خواهد شد، روزی که مصادف با هشتادمین سالگرد تولد اوست. این در حالی است که پیش‌تر اعلام شده بود این رویداد در روز ۴ ژوئیه، هم‌زمان با دوست‌وپنجاهمین سالگرد تأسیس آمریکا برگزار می‌شود. ترامپ که از دهه‌ها پیش از حامیان یواف‌سی بوده، اخیراً در رویداد یواف‌سی ۳۱۶ در نیوجرسی حضور یافت. حال، برگزاری این ورزش خشن در مرکز قدرت سیاسی آمریکا، رویدادی بی‌سابقه خواهد بود. رویدادی که می‌توان آن را در راستای تلاش ترامپ، یاران و وزیرانش برای «مردانه‌تر شدن» و «ورزیده‌تر شدن» جامعه آمریکا معنا کرد. از سوی دیگر، محبوبیت این ورزش در میان مردان جوان که گروه کلیدی در انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا بودند را هم نباید دست‌کم گرفت. گفتنی است، یواف‌سی، بزرگ‌ترین و موفق‌ترین سازمان در دنیای رو به رشد هنرهای رزمی ترکیبی (MMA) است که ترکیبی از رشته‌هایی مانند جوجیتسو، کیک‌بوکسینگ، بوکس و کشتی است. مسابقات در رینگ هشت‌ضلعی به نام «کتاگون» برگزار می‌شود که با فنس‌های زنجیری احاطه شده است. به جز چند استثنا مانند ضرب به چشم، مبارزانی می‌توانند از هر تکنیکی برای حمله به حریف استفاده کنند.

پنجاهمین



ارتفاعات مختلف برای قلل مر تفع دارای پیشینه

گویا اعلام اعداد مختلف برای قلل مر تفع و مطرح جهان موضوعی دارای پیشینه است و حتی در برخی موارد توانسته زمینه اختلاف نظر بین کشورها را هم فراهم کند. گاهی دو کشوری که در یک قله مشترک هستند، بر سر میز مذاکره نشسته‌اند، روی یک عدد خاص به توافق رسیده و آن را به‌عنوان ارتفاع قله به رسمیت شناخته‌اند. بر اساس اطلاعات موجود در منابع معتبر، برای قله اورست، بلندترین قله جهان، اعداد مختلفی اعلام شده است. اولین اندازه‌گیری رسمی در ۱۸۵۶ تحت نظارت بریتانیا انجام شده و عدد ۸۸۴۰ متر برای این قله اعلام می‌شود. بین سال‌های ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۴ ارتفاع این قله ۸۸۴۷٫۷۳ متر به ثبت می‌رسد. در ۱۹۷۵ چینی‌ها ارتفاع این‌قله را ۸۸۴۸٫۱۳ متر اعلام می‌کنند که شامل کلاهک برفی اورست هم می‌شود. در ۲۰۰۵ چین ارتفاع بدون برف هیمالیا را ۸۸۴۴٫۴۳ متر اندازه‌گیری کرده و آن را دقیق‌ترین اندازه‌گیری اعلام می‌کند اما همین مسئله زمینه اختلاف با نپال را فراهم می‌کند زیرا این کشور همسایه ارتفاع با برف قله را نسبت به ارتفاع بدون برف ترجیح می‌دهد و در نهایت دو کشور در سال ۲۰۱۰ بر سر میز مذاکره می‌نشینند و ارتفاع ۸۸۴۸ متر را برای اورست به رسمیت می‌شناسند. در نهایت ارتفاع قله اورست در ۲۰۲۰ با فناوری پیشرفته و GPS اندازه‌گیری می‌شود و عدد ۸۸۴۸٫۸۶ متر برای این قله رسانی‌ای می‌شود.

مورد دیگر قله دنیالی بلندترین قله آمریکای شمالی است که در ۱۹۵۲ ارتفاع آن با عکس هوایی ۶۱۹۴ اعلام می‌شود که این رقم بیش از ۶۰ سال به رسمیت شناخته می‌شود. در ۲۰۱۰ ارتفاع این قله با رادار اندازه‌گیری و عدد ۶۱۶۸ متر برای آن اعلام می‌شود. در ۲۰۱۵ سازمان زمین‌شناسی آمریکا با GPS دقیق ارتفاع قله را ۶۱۹۰ و چهار متر کوتاه‌تر از ارتفاع قبلی اعلام می‌کند. قله K۲ هم که دومین قله بلند جهان است، در اندازه‌گیری ارتفاع دچار خطاهای متعددی است. در ۱۸۵۶ اولین اندازه‌گیری توسط هندی‌ها انجام شده و ارتفاع قله را ۸۶۱۱ متر اعلام می‌کنند. این ارتفاع هنوز رسمی است. در ۱۹۸۶ یک آمریکایی ارتفاع قله را افزایش می‌دهد و ارتفاع K۲ را بیش از اورست اعلام می‌کند اما در نهایت این‌خطا در ۱۹۸۷

آیا شایعه کوتاه شدن ۶۰ متری قله دماوند صحیح است؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد قله نه تنها کوتاه نشده که هر سال دو میلی‌متر رشد داشته است

دماوند هر سال قد می‌کشد

رئیس سابق سازمان زمین‌شناسی کشور: معدنکاری در صورتی می‌تواند باعث کم شدن ارتفاع کوه شود که برداشت از قله انجام شود یا قله کوه بریده شود در حالی که معدنکاری در دامنه کوه دماوند انجام می‌شود

لیلا مرگن
هفت صبح

کاهش بیش از ۶۰ متری ارتفاع این قله خبر می‌دهند. آنها برداشت از معادن را عاملی برای این کاهش ارتفاع معرفی می‌کنند. بر اساس اطلاعات موجود درباره ارتفاع دماوند، سازمان نقشه‌برداری کشور در سال ۱۳۸۵ در جریان یک پروژه ۱۰ روزه، ارتفاع این قله مرتفع را به صورت گرد شده ۵۶۱۰ متر اعلام می‌کند. در سال ۱۹۶۶ میلادی، آلن باخ بر اساس تصاویر ماهواره‌ای ارتفاع قله را ۵۶۷۰ متر اعلام کرده و سپس یک گروه بلژیکی ارتفاع دماوند را به ۵۶۷۱ متر ارتفاع می‌دهند. پایگاه ملی داده‌های علوم زمین ایران و وبگاه رصدخانه زمین ناسا نیز به ترتیب ارتفاع ۵۶۷۰ و ۵۶۷۱ متر را به‌عنوان ارتفاع کوه دماوند ثبت می‌کنند. ماهواره سنسیتل دو در ۱۲ مهر ماه امسال ارتفاع این قله را ۵۶۰۹ متر نشان می‌دهد. ماجرا چیست؟ ارتفاع دقیق دماوند کدام است؟ آیا مرتفع‌ترین قله ایران واقعا آب رفته است؟

تصحیح شده و به ۸۶۱۱ متر باز می‌گردد. در ۲۰۱۴ یک تیم پاکستانی-ایتالیایی با ناوبری ماهواره‌ای ارتفاع K۲ را ۸۶۰۹۰۰٫۲ اعلام می‌کند که دو متر کمتر از ارتفاع رسمی است.

اختلاف ارقام اعلام شده درباره دماوند ناشی از خطای اندازه‌گیری

همان‌طور که مرور شد، اعلام اعداد مختلف برای ارتفاع قلل مرتفع و مطرح جهان پدیده‌ای دارای پیشینه است اما در مورد دماوند چرا این اتفاق رخ داده است و ارتفاع واقعی دماوند چقدر است؟ محمد سعادت سرشت عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی نقشه‌برداری و اطلاعات مکانی در گفت‌وگو با «هفت صبح» در این رابطه بیان می‌کند: سازمان نقشه‌برداری ارتفاع قله دماوند را اعلام کرده است و عددی که این سازمان اعلام کرده است، ارتفاع واقعی قله دماوند است. به گفته او، اختلاف ارتفاع رخ داده، ناشی از روش‌های اندازه‌گیری است و روش‌های قبلی درست نبوده است. در حالی که سازمان نقشه‌برداری با ابزارهای دقیق

نشده است بلکه ارتفاع واقعی، عددی بوده که توسط سازمان نقشه‌برداری اعلام شده است. این عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی نقشه‌برداری و اطلاعات مکانی اعلام می‌کند: سمت بالاست. اگر چه قضیه دماوند کمی متفاوت است اما از آنجا که کل کشور تحت فشارش است، این پدیده باعث افزایش ارتفاع می‌شود. دماوند به قدری با ماگمای درون زمین در ارتباط است که هیچ نیرویی نمی‌تواند آن را تکان دهد و این کوه را تحت تاثیر قرار دهد. بنابراین به اعتقاد شهیدی، ارتفاع دماوند همان پنج هزار و ۷۰۰ و خرده‌ای که قبلا اعلام شده، باقی مانده است.

معدنکاری باعث کاهش ارتفاع نمی‌شود

کوهنوردان برداشت معادن و جاده‌کشی در دماوند را عاملی برای کاهش ارتفاع این کوه معرفی می‌کنند اما آیا واقعا برداشت معادن می‌تواند بر ارتفاع قله‌ای به عظمت دماوند اثر گذار باشد؟ علیرضا شهیدی رئیس سابق سازمان زمین‌شناسی کشور در گفت‌وگو با «هفت صبح» این احتمال را به‌طور کامل رد می‌کند. معدنکاری در صورتی می‌تواند باعث کم شدن ارتفاع کوه شود که برداشت

دوباره طرح کاشت یک میلیارد درخت که بدون پشتوانه علمی و بودجه کافی، بیشتر جنبه نمایشی پیدا کرده است

نهال‌هایی روی کاغذ

انتخاب گونه‌های غیر بومی و غیر جنگلی از جمله نهال‌هایی مناسب زراعت چوب اهداف نمایشی پیدا کرده است



هفت صبح | طرح کاشت یک میلیارد درخت دو سال است که در کشور اجرا می‌شود اما با این وجود هنوز این طرح پیوسته‌های علمی لازم را ندارد، بودجه آن حذف شده و به نظر می‌رسد جز برگزاری جلسات، کار ملموس دیگری در این طرح انجام نمی‌شود.

طرح مردمی کاشت یک میلیارد درخت در اواخر سال ۱۴۰۱ با پیشنهاد سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری و با هدف توسعه منابع طبیعی و جنگلی ارانه و از ۱۱ آذرماه سال ۱۴۰۲ با اعلام رئیس وقت سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور یعنی عباسعلی نوبخت به‌عنوان یک طرح چهارساله آغاز به کار کرد. طرحی که از همان ابتدا مخالفان زیادی داشت و هرگز به این پرسش که چرا باید طی چهار سال یک میلیارد درخت در کشور کاشته شود، از سوی مسئولان پاسخ داده نشد. مخالفان طرح کاشت یک میلیارد درخت افزایش مصرف آب، نبود بودجه مناسب، عدم همخوانی طرح با پتانسیل‌های طبیعی کشور و مواردی از این دست را در مخالفت خود با این طرح مطرح می‌کردند اما سازمان منابع طبیعی کشور نه تنها به پرسش‌های اساسی مطرح شده از سوی کارشناسان پاسخ نمی‌داد بلکه با اقدامات نمایشی، تلاش کرد که این طرح را موفق جلوه دهد. مسئولان سازمان منابع طبیعی در توجیه کمبود بودجه برای اجرای طرح اعلام می‌کردند که این طرح بودجه نمی‌خواهد زیرا قرار است با کمک‌های مردمی و از محل مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها اعتبارات مورد نیاز این طرح کلان ملی تامین شود. اما با اعتبارات حاصل از همکاری شرکت‌ها نیاز بودجه‌ای چهار هزار و ۵۰۰ میلیارد تومانی این طرح که در سال ۱۴۰۱، ۲۸ درصد فراتر از کل بودجه سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری بود را پاسخ می‌داد؟

تولید نهال، شاید تنها دستوراد طرح

با گذشت دو سال از اجرای این طرح که با تبلیغات سنگین آغاز شد، روند پیشرفت طرح نشان می‌دهد که مخالفان طرح چندان اشتباه نمی‌کردند. تا امروز به نظر نمی‌رسد که طرح توفیق چندانی داشته باشد. گزارش‌های رسیده از برخی از استان‌ها حاکی از آن است که حتی بودجه‌ای برای حفر گودال و سپس کاشت نهال‌های تولید شده در نهالستان وجود ندارد. اگر چه در روزهای ابتدای اجرای این طرح بر سر و صدای یک روز خبر رگوردنی هلال احمر در کاشت نهال روی خروجی خبرگزاری‌های قرار می‌گرفت و روز دیگر مجری این طرح از پیشرفت‌های درخشان آن خبر می‌داد اما این روزها اثری از آن شور و حال دیده نمی‌شود. گویا انبوهی نهال روی دست نهالستان‌های سراسر کشور باد کرده و پولی برای انتقال آنها به عرصه وجود ندارد. در واقع تنها دستوراد مثبت طرح یعنی فعال شدن نهالستان‌ها به دلیل کامل نبودن سایر حلقه‌های زنجیره این طرح، کلا بلااستفاده مانده است.

برگزاری بدون وقفه جلسات کاری

تنها رخدادی که بدون وقفه از آغاز طرح کاشت یک میلیارد درخت ادامه یافته، جلسات کاری است که در آن معلوم نیست چه گزارش‌هایی ارائه می‌شود و اساساً وقتی پولی برای انجام کارها وجود ندارد، چه نیازی برای صرف هزینه و برگزاری جلسه‌های این طرح وجود دارد که تا امروز استمرار یافته است. روز یکشنبه ۱۲ مهر ماه رئیس سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور در جلسه شورای راهبری این سازمان با محوریت بررسی آسیب‌ها، چالش‌ها و راهبردهای اجرایی طرح مردمی کاشت یک میلیارد درخت، احیاء و بازو وظایف سازمان متبوعش معرفی کرده و هدف طرح کاشت یک میلیارد درخت را توسعه نهال‌کاری اعلام می‌کند. در حالی که بسیاری از کارشناسان بر این باورند که بهترین شیوه احیای اراضی مخروطه کاشت بذراست تا نهال‌ها با انتخاب طبیعی گزینش شده و آینده بهتری داشته باشند اما چرا یک سازمان تخصصی کاشت نهال را به‌عنوان بهترین گزینه برای احیا بر گزیده است؟

رئیس سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور در این جلسه یادآور می‌شود که هیچ طرحی بدون ایراد نیست اما وجود اشکالات نباید پرسنل این سازمان را از هدف اصلی دور کند و بر برگزاری مستمر و هفتگی جلسات شورای سیاست‌گذاری تاکید می‌کند. در حالی افلاطونی بر ایجاد امکانات برای توسعه زراعت چوب تاکید می‌کند که اساساً تولید چوب جزو وظایف سازمان منابع طبیعی نیست و بسیاری از منتقدان بر این باورند که نباید موضوع زراعت چوب در طرح کاشت یک میلیارد درخت گنجانده می‌شد. زیرا اگر چه تولید چوب زمینه حفاظت از جنگل‌ها را فراهم می‌کند اما بخش صنعت متولی اصلی آن است و انرژی سازمان منابع طبیعی نباید صرف این بخش شود. رئیس سازمان منابع طبیعی در حالی بر انتخاب نهال بر اساس شرایط آب و هوایی به منطقه تاکید می‌کند که گزارش‌های رسیده حاکی از آن است که در بسیاری از نهالستان‌هایی که با اجرای طرح کاشت یک میلیارد درخت فعال شده‌اند، گونه‌های غیر بومی و غیر جنگلی از جمله گونه‌های مناسب زراعت چوب تولید شده‌اند تا صرفاً متولیان استانی علاوه بر سبز نشان دادن فضای نهالستان، اعداد و ارقامی برای ارائه به مسئولان بالادست داشته باشند.

آزموده‌را از مژودن خطاست

این نخستین بار نیست که سازمان منابع طبیعی با ارائه طرح‌هایی غیر واقعی به دنبال سبز کردن ایران است. در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی این مجموعه با شعار سرسبزی ایران اقدام به کاشت درخت در حاشیه روستاها کرد که امروز فقط لکه‌هایی از آن باقی مانده است. در دهه ۷۰ بودجه کلانی صرف تشکیل قرارگاه‌های متعدد و بذرباشی با هواپیم‌ها شد که به هیچ سرانجامی نرسید یا یک بار دیگر منابع آب و خاک کشور و بودجه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها صرف یک طرح نمایشی بدون نتیجه خواهد شد؟

مصرف می‌شود. برای احیای دریاچه ارومیه تعریف معیشت جایگزین کشاورزی در منطقه و اصلاح الگوی کشت از الزامات است. به اعتقاد استاندار آذربایجان غربی مصرف آب در استان‌های آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی بالاست، بنابراین باید با اجرای روش‌های نوین آبیاری و تغییر الگوی کشت، تدبیری برای کاهش مصرف آن به عمل آید. وی توضیح می‌دهد: براساس اسناد تاریخی، دریاچه ارومیه در گذشته هم دوره‌های کاهش تراز آبی را پشت سر گذاشته و احیاء شده است؛ در همین راستا همه باید با روحیه جهادی تلاش کنیم تا طرح‌های احیای دریاچه ارومیه به نتیجه مطلوب برسد. دبیر کارگروه ملی احیای دریاچه ارومیه با

مصرف می‌شود. برای احیای دریاچه ارومیه تعریف معیشت جایگزین کشاورزی در منطقه و اصلاح الگوی کشت از الزامات است. به اعتقاد استاندار آذربایجان غربی مصرف آب در استان‌های آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی بالاست، بنابراین باید با اجرای روش‌های نوین آبیاری و تغییر الگوی کشت، تدبیری برای کاهش مصرف آن به عمل آید. وی توضیح می‌دهد: براساس اسناد تاریخی، دریاچه ارومیه در گذشته هم دوره‌های کاهش تراز آبی را پشت سر گذاشته و احیاء شده است؛ در همین راستا همه باید با روحیه جهادی تلاش کنیم تا طرح‌های احیای دریاچه ارومیه به نتیجه مطلوب برسد. دبیر کارگروه ملی احیای دریاچه ارومیه با

دبیر کارگروه ملی ستاد احیا در نشست این ستاد به میزبانی آذربایجان شرقی از اجرای طرح بارور کردن ابرها برای احیای دریاچه ارومیه خبر می‌دهد. وی می‌گوید: با آغاز نهضت احیای دریاچه ارومیه طرح‌ها و راهکارهای نوینی در دستور کار قرار گرفته و برنامه‌ریزی دقیقی برای مدیریت مصرف آب شرب و کشاورزی به عمل آمده است. آن‌طور که ایرنا گزارش کرده است، در این نشست رحمانی با اشاره به عزم جدی دولت برای احیای دریاچه ارومیه، تعریف معیشت جایگزین برای کشاورزان حوضه آبریز دریاچه را یک ضرورت جدی می‌داند. وی ادامه می‌دهد: بیشترین آب حوضه در بخش کشاورزی استان‌های آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی

هفت صبح | پروژه احیای دریاچه ارومیه به‌عنوان تنها پروژه محیط زیستی که شانس دریافت اعتبارات چند هزار میلیارد تومانی را در کارنامه خود دارد، دیگر رسماً یک پروژه شکست خورده است. نگین شمال غرب ایران که با اجرای پروژه سنگین انتقال آب زاب به ارومیه قرار بود زنده باقی بماند، مصرف آب، هیچ راه دیگری برای نجات دریاچه ارومیه وجود ندارد. اما گویا با وجود شکست سنگین پروژه‌های تامین آب برای دریاچه ارومیه، باز هم گزینه پر هزینه بارورسازی ابرها روی میز قرار دارد. رضا رحمانی استاندار آذربایجان غربی و

طرح پرهزینه بارورسازی ابرها برای احیای دریاچه ارومیه درحالی دوباره مطرح شده که پروژه‌های انتقال آب با شکست کامل روی پرورده شده‌اند

دستور دولت به ابرها

دبیر کارگروه ستاد ملی احیای دریاچه ارومیه از روی میز قرار گرفتن طرح بارورسازی ابرها برای احیای دریاچه ارومیه خبر داده و توجه به تغییر معیشت کشاورزان را یکی از اقدامات ضروری برای این حوضه آبریز معرفی کرده است



درباره نسلی تازه بر صفحه نمایش که بازبانی صریح و مردمی تاج اقرار از مجریان قدیمی بودند

رسانه در مشیت کمدین ها

● آینده اجرای رسانه‌ای ایران در گرو شناخت مرز باریک میان شوخی، نقد اجتماعی و احترام به اخلاق حرفه‌ای خواهد بود

الهه کاکایی
هفت صبح

مدتی است که پلتفرم‌های تصویری و فضای مجازی ایران، صحنه یک دگرگونی عمیق در ساختار برنامه‌سازی و اجرا شده‌اند. در این میان، مجریان کلاسیک تلویزیونی با شمایل اتوکشیده و کلام رسمی خارج از میدان مانده‌اند و کمدین‌هایی که از دل استندآپ کمدی و خندانده‌شو بیرون آمده‌اند، سکان هدایت افکار عمومی را به دست گرفته‌اند. این موج جدید، تنها یک تغییر دانفه ساده نیست؛ نشانه‌ای از تسلیم رسانه‌های سنتی در برابر زبان صریح، نقاد و همگام با نیاز روز جامعه است. در این پهنه نوین، نام‌هایی چون امیرحسین قیاسی و ابوطالب حسینی، بیش از هر چهره دیگری می‌درخشند. آنها از چارچوب‌های سخت و محتوای کنترل‌شده صداوسیما عبور کرده‌اند و با شیوه‌ای نو، فاتحان قلمرو طنز رسانه‌ای لقب گرفته‌اند. راز این موفقیت خیره‌کننده چیست که مجریان کارکشته یک دهه قبل را به حاشیه رانده و آنها را وادار به تقلید از فرمت‌های نوین می‌کند؟



● قدرت «طنز کلامی» و زبان «نیاز روز»

موفقیت این نسل جدید، ریشه در تسلط بی‌چون و چرای آنها بر دو مقوله کلیدی دارد: زبان طنز هوشمندانه و زبان نیاز روز جامعه. کمدی این افراد، غالباً متکی بر «طنز کلامی» است؛ نوعی شوخ‌طبعی که موقعیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی رسانه‌ای را هجو می‌کند، وازه‌ها را در مرزهای جدیدی به بازی می‌گیرد و به سرعت به ترند تبدیل می‌شود. قیاسی بر مرز میان گفت‌وگوی طنز و نمایش ایستاده و با نوسانی سنجیده میان استندآپ و آپتم‌های شوخ‌طبعانه حرکت می‌کند.

این فرمت هوشمندانه، به او اجازه می‌دهد تا متن‌محوری قوی استندآپ را حفظ کند و در عین حال، با پرداختن اجمالی به موضوعات عمومی و بدل‌سازی خبرها به ماده طنز، نقش یک «مجری-کارشناس» را ایفا کند. او به جای تکیه بر ادا و اطوار، از «کلمات» و «تقدیر روایت‌ها» برای جذب مخاطب استفاده می‌کند. در مقابل، حسینی مسیر کلاسیک‌تری را در پیش گرفته و با اتکا به استندآپ‌های صحنه‌ای، طنزی شخصی و موقعیت‌محور ارائه می‌دهد. هرچند سبک او در تولید کلیپ‌های وایرال در شبکه‌های اجتماعی موفقیت بی‌نظیری داشته اما جوهره مشترک با قیاسی، «همگام شدن با جامعه» و دوری از کلیشه‌های مرسوم است.

این همان نقطه‌ای است که تفاوت این دو با دیگر کمدین-مجری‌ها آشکار می‌شود. برای مثال، حامد آهنگی نیز یک کمدین-مجری محبوب است اما جنس طنز او عمدتاً بر «اکت» (کنش‌های فیزیکی)، تقلید صدا و کمدی موقعیت‌های از پیش تعیین شده استوار است. در دوره‌ای که مخاطب ایرانی به دنبال طنز سریع، نقادانه و کلامی است که «حرف دل» او را بزند، کمدی متکی بر اکت، گرچه همچنان سرگرم‌کننده است اما در رقابت با تسلط کلامی قیاسی و ابوطالب، در جذب حداکثری مخاطب و تبدیل شدن به یک پدیده رسانه‌ای ماندگار، توفیق کمتری دارد. در حقیقت، مجریانی موفق هستند که زبان و نیاز مخاطب فضای مجازی در سال ۱۴۰۴ را می‌شناسند.

● مجریان سنتی در گرداب تقلید و شکست «بازی رسانه‌ای»

در خشخ ستارگان نسل جدید، سایه سنگینی بر سر مجریان قدیمی تر انداخته است؛ کسانی که دهه‌ها با اتکا به دکورهای رنگارنگ تلویزیونی، اجرای استاندارد و خطوط قرمز مشخص، به سادگی به شهرت می‌رسیدند. امروز این مجریان با مجبور به انزوا شده‌اند یا سعی دارند با تقلید از فرمت‌های جدید، خود را به قطار این موج برسانند. نمونه بارز این تلاش، علی ضیا است. ضیا که خود از مجریان مطرح و پرمخاطب صداوسیما بود، با ورود به پلتفرم‌های مجازی و تولید برنامه گفت‌وگو محور، چاره‌ای جز تغییر جنس اجرای خود ندید. او و امثال او به خوبی دریافته‌اند که مخاطب جدید، مجری را در نقش «بازجو» یا «معلم اخلاق» نمی‌خواهد؛ او یک «دوست شوخ‌طبع» می‌طلبد که مرزهای اجرا را جابه‌جا کند. این دگردیسی گاهی به قیمت ناکامی‌های سنگین رقم می‌خورد. یکی از مصداق‌های جذاب این روزها، «دعای طنزگونه» و بازی رسانه‌ای بود که میان ابوطالب حسینی و امیرحسین قیاسی شکل گرفت. این یک بازی هوشمندانه و مدیریت‌شده بود که توانست بازار محتوای طنز را داغ‌تر کند. در این میان، علی ضیا نیز سعی کرد خودش را به این بازی رسانه‌ای بچسباند؛ اما دقیقاً به دلیل جنس متفاوت اجرایش که هنوز رگه‌هایی از جدیت تلویزیونی در آن دیده می‌شد، نتوانست در این بازی حل شود و ناخواسته «سوخ» و نتیجه آن بر ضد خودش عمل کرد. حتی رصد مصاحبه‌های اخیر او در برنامه «با ضیا» نشان می‌دهد که او گاهی در انتخاب سوالات یا نحوه پرداخت به موضوع، از شوخی‌های ساختار شکنانه قیاسی گرت‌برداری می‌کند؛ تلاشی که نشان‌دهنده درک متاخر از شکست فرمول‌های سنتی است.



● آسیب‌شناسی مرزهای نازک: خطر ابتذال و هتک حرمت

با این حال، این موج خروشان و موفقیت‌آمیز، روی یک «مرز نازک» در حرکت است که نیازمند آسیب‌شناسی جدی است. طنز کلامی هوشمندانه که این روزها خریدار دارد، به سرعت می‌تواند تبدیل به کمدی سخیف و شوخی‌های جنسی شود. آزادی بی‌حدومرزی که فضای مجازی در اختیار این کمدین‌ها قرار داده، مانند یک شمشیر دولبه عمل می‌کند.

● خطر کمدی سخیف: از آنجا که این طنز، مرزهای محافظه‌کارانه تلویزیون را شکسته، وسوسه عبور از خطوط قرمز اخلاقی و ورود به شوخی‌های جنسیتی یا محتوای مبتذل با هدف جذب سریع مخاطب، همواره وجود دارد. این مسیر، عمر هنری کمدین‌ها را کوتاه کرده و آنها را از دایرة «طنز سازنده» خارج می‌کند.

● خطر هتک حرمت و نقد تند: نقد تند و شوخی‌های شخصی با چهره‌های مطرح که بخش مهمی از جذابیت کار قیاسی است، به سرعت می‌تواند از مرز نقد اجتماعی به «هتک حرمت» شخصی و تخریب چهره تبدیل شود. مجریان این موج باید دائماً مراقب باشند که طنزشان به «تیشه»‌ای برای تخریب تبدیل نشود؛ چرا که جامعه به همان سرعتی که آنها را بالا می‌برد، با کوچک‌ترین خطایی می‌تواند آنها را پس بزند. امیرحسین قیاسی و ابوطالب حسینی تنها دو کمدین ساده نیستند؛ آنها نمایندگان یک رسانه نوظهور و زبانی تازه هستند که نشان می‌دهد دیگر نمی‌توان با قواعد دهه‌های قبل با مخاطب ارتباط گرفت. رسانه‌هایی که از این زبان و نیاز روز عقب بمانند، مخاطب خود را از دست می‌دهند و در نهایت در برابر موج طنز کلامی هوشمندانه، ناچار به عقب‌نشینی یا شکست در بازی رسانه‌ای خواهند شد. اما باقی این پادشاهان طنز، در گرو توانایی آنها در حفظ تعادل بر این مرز نازک است: در اوج شوخ‌طبعی و ساختار شکنی، همواره متعهد به اخلاق و هوشمندی باقی بمانند.

بحران اعتماد در پلتفرم‌های ایرانی

فصل ناتمام اعتماد

دو سریال محبوب استارنت نیمه‌کاره ماندند

قانون ساکت است و مخاطبان بی‌پناه

تصور کنید سه‌شنبه شب منتظر قسمت جدید سریال «جزر و مد» هستید. اپیزود قبلی با گرهی در داستان پایان یافته و هزاران بیننده مثل شما لحظه‌شماری می‌کنند تا ادامه‌اش را ببینند اما آن شب خبری از قسمت جدید نیست؛ سکوتی عجیب بر صفحه پلتفرم حاکم است. نه اعلام تأخیری، نه توضیحی و نه حتی عذرخواهی. روزها می‌گذرد و کم‌کم روشن می‌شود که این سریال بر طرفدار در میانه راه متوقف شده است. نه به خاطر یک پایان غافلگیرکننده داستانی، صرفاً به دلیل مشکلات پشت‌صحنه و ناتوانی پلتفرم در ادامه تولید. این اتفاق که پیش‌تر برای سریال «کنکل» هم رخ داده بود، شوکی برای مخاطبان بود. دو سریال پربیننده پلتفرم تازه‌وارد استارنت نیمه‌کاره رها شدند و آینده پخش‌شان در هاله‌ای از ابهام فرو رفت.

● بحران استارنت: وقتی مدل رایگان دوام نمی‌آورد

استارنت با شعار «پخش رایگان» و تکیه بر تبلیغات وارد میدان شد. سال گذشته، تبلیغات شهری و تلویزیونی گسترده‌ای از این سرویس دیده می‌شد که وعده می‌داد بهترین سریال‌ها را بدون نیاز به اشتراک در اختیار بیننده می‌گذارد اما امروز همان پلتفرم

با بحرانی جدی روبه‌روست. تولید «جزر و مد» پس از ضبط حدود نیمی از قسمت‌ها، ماه‌هاست متوقف شده و عوامل از پرداخت نشدن دستمزدهای‌شان خبر داده‌اند. در مورد «کنکل» نیز ماجرا مشابه بود؛ پروژه‌ای پرهزینه که پیش از رسیدن به پایان، از نفس افتاد. علت هر دو توقف، عدم تحقق تعهدات مالی از سوی پلتفرم عنوان شده است. یعنی استارنت نتوانسته هزینه‌های تولید را تأمین کند. نکته آزاردهنده‌تر برای مخاطبان این بود که در هیچ مرحله‌ای توضیح شفافی درباره سر نوشت سریال‌ها دریافت نکردند. پروژه‌هایی که با سر و صدای تبلیغاتی آغاز شده بودند، ناگهان در سکوت کامل متوقف شدند. از دل این ماجرا یک واقعیت بیرون می‌آید: مدل تجاری رایگان مبتنی بر تبلیغات هنوز در بازار ایران پایدار نیست. در جهان، سرویس‌هایی مانند یوتیوب یا توپی بر بازار پررونق آگهی و بازگشت سرمایه مطمئن بنا شده‌اند. اما در ایران، نوسانات بازار تبلیغات و نبود بیمه تولید، این مدل را شکننده می‌کند. وقتی درآمد تبلیغاتی کمتر از پیش‌بینی باشد، پلتفرم‌ها برای سریال‌ماندن معمولاً نخستین هزینه‌ای که قطع می‌کنند، بودجه تولید است. استارنت در آغاز با حمایت گروه‌های صنعتی و چند اسپانسر شناخته‌شده توانست سر و صدا کند، اما در ادامه، همان تکیه بر سرمایه تبلیغاتی، تبدیل به پاشنه آشیل شد. توقف هم‌زمان دو سریال اصلی‌اش، عملاً به معنای فروپاشی مدل محتوایی پلتفرم بود و نشان داد حتی سرمایه‌گذاری اولیه قابل توجه هم بدون تضمین درآمد مستمر، کافی نیست.

● حق مخاطب؛ حلقه گمشده در نظارت

پس از این اتفاق‌ها، صدای اعتراض مخاطبان و رسانه‌ها در شبکه‌های اجتماعی بلند شد. نهادهای قانونی تا امروز واکنش روشنی نسبت به توقف این سریال‌ها نداشته‌اند. پرسش اصلی اینجاست: وقتی پروژه‌ای نیمه‌کاره رها می‌شود، تکلیف حقوق کاربران چیست؟ سابقه عملکرد این نهادهای قانونی

نشان می‌دهد تمرکزشان عمدتاً بر محتوای آثار بوده است؛ در حالی که اکنون ضرورت دارد نهادهای ناظر مفهوم تازه‌ای از مسئولیت‌پذیری تعریف کنند: «نظارت بر حقوق مخاطب» بسیاری از کاربران در نقدهایشان نوشتند که حتی اگر پلتفرمی رایگان باشد، باز هم از مردم «زمان و توجه» می‌گیرد و این سرمایه پنهان است. مخاطب رایگان نیست. او با صرف وقت، حجم اینترنت و اعتمادش بهای محتوا را می‌پردازد. وقتی سریالی با تبلیغات پرهیاهو معرفی می‌شود و نیمه‌کاره رها می‌شود، چندین آسیب رخ می‌دهد: مخاطب احساس فریب‌خوردگی می‌کند، وفاداری او به تماشای قانونی از بین می‌رود و کل اکوسیستم نمایش خانگی آسیب می‌بیند. در بازارهای جهانی لغو یک سریال امری طبیعی است؛ اما اینجا مخاطب می‌داند تصمیم صرفاً اقتصادی است و لغو بعد پایان فصل رخ می‌دهد در میانه آن و در ادامه صدها عنوان دیگر در انتظار اوست. در ایران، چنین سکوت و بی‌پاسخ‌ماندنی معنای متفاوتی دارد. صنعت نمایش خانگی تازه در حال شکل‌گیری است و هر لغزش می‌تواند پایه اعتماد را متزلزل کند. وقتی پلتفرمی تنها با دو سریال اصلی وارد میدان می‌شود و هر دو را نیمه‌کاره رها می‌کند، دیگر نمی‌توان آن را «لغو تولید» خواند؛ این، نقض صریح تعهد به مخاطب است.

● «جنگل آسفالت» تا ورود بایک زنجانی

پدیده سریال‌های نیمه‌تمام البته فقط مختص استارنت نیست. نماوا، یکی از قدیمی‌ترین پلتفرم‌های ایرانی، در یکی دو سال اخیر با افت محسوس در تولید و کیفیت مواجه بوده است. سریال «جنگل آسفالت» با بازی نوید محمدزاده و چند ستاره دیگر، یکی از پروژه‌های پسر و صدای این پلتفرم بود که پخش فصل اولش ناتمام ماند. پروژه دیگری با عنوان «از ازل» هم به همین سر نوشت دچار شد. این وقفه‌ها، کارنامه نماوا را سنگین‌تر کرد و باعث شد بخش زیادی از کاربران به سمت رقبا یا حتی محتوای غیرقانونی بروند. در چنین شرایطی، خبر ورود بایک زنجانی به عرصه پلتفرم‌های نمایشی، توجه‌ها را به خود جلب کرد. او که نامش با بزرگ‌ترین پرورنده‌های اقتصادی دهه گذشته گره خورده، این روزها ظاهراً از طریق شرکت‌های وابسته‌اش تصمیم دارد در شبکه نمایش خانگی سرمایه‌گذاری کند. برخی منابع از احتمال تزریق سرمایه او به نماوا سخن گفته‌اند تا این پلتفرم بتواند دوباره در بازار رقابت جان بگیرد.

اما پرسش مهم‌تر این است: آیا ورود سرمایه‌گذاری با چنین سابقه‌ای می‌تواند تضمینی برای حقوق مخاطب باشد؟ از یک سو، تزریق سرمایه تازه شاید به احیای تولیدات باکیفیت و پرداخت به‌موقع دستمزد عوامل کمک کند. اما از سوی دیگر، نگرانی‌هایی درباره شفافیت مالی و احتمال غلبه منطق سود بر کیفیت و اخلاق حرفه‌ای وجود دارد. در واقع، پلتفرمی که با سرمایه‌ای از این جنس احیا می‌شود، بیش از همیشه نیازمند نظارت دقیق و شفافیت و گزارش‌های مالی است تا اعتماد از دست‌رفته را بازسازی کند.

● راهی به آینده: اعتمادسازی دوباره

داستان سریال‌های نیمه‌تمام، زنگ خطری برای کل صنعت نمایش خانگی ایران است. اگر پلتفرم‌ها می‌خواهند در رقابت با تلویزیون سنتی و رسانه‌های جهانی بمانند، باید مفهوم «پاسخگویی» در برابر مخاطب را جدی بگیرند. یعنی تنها زمانی پروژه‌ای را آغاز کنند که از پایان رساندنش مطمئن باشند، اطلاع‌رسانی دقیق داشته باشند و در صورت بروز مشکل، بی‌پرده با کاربران سخن بگویند.

از سوی دیگر، نهادهای ناظر باید از تمرکز صرف بر ممیزی محتوا فراتر بروند و «نظارت بر حقوق مصرف‌کننده» را به مأموریت اصلی خود اضافه کنند. وقتی مخاطب بابت اشتراک پول می‌پردازد یا زمان ارزشمندش را صرف تماشای قانونی می‌کند، حق دارد بداند

سریال انتخابی‌اش به پایان خواهد رسید. اعتماد مخاطب سرمایه‌ای است که به‌سادگی به دست نمی‌آید. در دوران کرونا، پلتفرم‌های ایرانی با رشد انفجاری مخاطب، امید تازه‌ای برای سینما و تلویزیون به‌وجود آوردند. اما افزایش قیمت اشتراک‌ها، ضعف کیفی تولیدات و حالا موج سریال‌های نیمه‌تمام، این سرمایه را تهدید می‌کند. اگر این روند اصلاح نشود، دیوار ترک‌خورده اعتماد دیر یا زود فرو می‌ریزد. مخاطبی که بارها سرخورده شده، شاید بار دیگر به سراغ محتوای بی‌کیفیت یا غیرقانونی برود. رابطه میان پلتفرم و تماشاگر، جاده‌ای دوطرفه است. پلتفرم‌ها از همراهی مردم سود می‌برند و در برابر آن مسئول‌اند. احترام به حق مخاطب یعنی پایبندی به تعهد، شفافیت در اطلاع‌رسانی و وفاداری به وعده. تنها در این صورت می‌توان امید داشت فصل‌های ناتمام امروز، فردا با اعتماد دوباره بینندگان کامل شود و نمایش خانگی ایران به جایگاهی برسد که مخاطب، دیگر احساس نکند زمانش را بی‌بهره صرف کرده است.





بازگشت پدیده چادر خوابی همراهان بیماران در اطراف بیمارستان‌های تهران

انتظار

زیر سقف چادر

باوجودی که شهر داری سال

گذشته‌اعلام کر دپرونده چادر خوابی

همراهان بیماران بسته‌شده، تذکر عضو

شورای شهر حکایت از شر وع مجدداين پدیده‌دارد

حمیدرضا خالدي
هفت صبح

«الان ۲۰ روزی می‌شود که اینجا هستیم. مادر مرا آورده‌ام دکتر. توی شهر کوچک خودمان، گفتن امکانات و دکتر متخصص نادر و باید ببر پیش تهران. به نوع بیماری و نارسایی قلبی داره. دائم حالش به هم می‌خورد و نفش بند می‌آید. بعضی وقت‌ها هم بی‌هوش میشه. نمی‌تونستم ببینم داره جلوی چشمم پرپر میشه. این بود که اوردمش تهران.» مرد جوان شیشه پراید نقره‌ای رنگ کپنه‌اش را بالا می‌کشد و ضبطش را خاموش می‌کند. انگار که دیگر حوصله هیچ صدایی را ندارد. به قول خودش می‌خواهد ببیند چه گلی باید به سرش بزنند؟ زنی جوان تر از مرد، از داخل چادری که کنار ماشین در پیاده‌رو برپا شده بیرون می‌آید و ضربه‌ای اهسته به شیشه می‌زند. مرد انگار تازه از دنیای دیگری برگشته باشد، از عالم خودش بیرون می‌آید و می‌گوید: «خواهرم است. باهم آمدم پیش تهران. با پدرم زندگی می‌کند. الان ۲۰ روزی می‌شود که سرکار نرفته. ولی خب چاره چیست؟» در مدت ممت هوشنگ و خواهرش رخساره، شب‌ها را در همین چادر سفری به صبح رسانده‌اند. دیگر این چادر شده خانه‌شان. مر تضي کاسب یکی از شهرهای غربی کشور است و همسر و دو دختر دوقلو دارد. گرچه کفاشی آنقدرها در آمدش زیاد نیست که بتواند هم از پس هزینه‌های زندگی‌اش برآید و هم پدرش را به یک بیمارستان خصوصی ببرد. خواهرش هم که تازه دو سال است در یک شرکت خصوصی کار پیدا کرده، حقوقش چندان نیست که هم هزینه‌های زندگی با پدرش را بدهد و هم بتواند کمک خرج برادر باشد در درمان پدر. برای همین هر دو تصمیم می‌گیرند که پدرشان را برای درمان پیش یک دکتر در یک بیمارستان دولتی ببرند.

❖ **عاملی به نام نوبت دهی‌های طولانی ویزیت و پذیرش بیمار**

موضوع همراهان بیماران اما حالا به موضوعی پیچیده بدل شده است. آن‌ها می‌گویند که به خاطر نوبت‌های طولانی و کمبود مراکز دولتی، مجبورند چند روز یا حتی چندین هفته در تهران بمانند. ازسوی برخی از آن‌ها مدعی‌اند که با فاصله همراهِسراها تا بیمارستان‌ها زیاد است و نمی‌توان در مواقع ضروری خودشان را به بیمارشان برسانند و یا اینکه معتقدند که این همراهِسراها خیلی وقت‌ها پر هستند و جای خالی ندارند. موضوعی که باعث می‌شود تا در نهایت بسیاری از آن‌ها حاضر نباشند تا به همراهِسراهای رایگان شهرداری بروند. گرچه مدیرعامل سازمان خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران و گفت‌وگو با «هفت صبح» می‌گوید که مشکلی برای پذیرش همراهان بیماران وجود ندارد!

❖ **اقامتگاه‌های لاکچری**

در کنار مددسراهای رایگان، حضور همراهان بسیار زیاد بیماران باعث شده تا طی چند سال اخیر مالکان خانه‌های اطراف این بیمارستان‌ها به فکر اجاره سوئیت و یا اتاق‌های خود به همراهِان بیماران بیفتند. پدیده‌ای آنقدر رایج که حتی سر از سایت‌های خرید و فروش و اجاره مسکن و مراکز اقامتی هم در آورده است! مثلاً کافی است در یکی از این سایت‌ها کلمه «همراهِسرا» را سرچ کنید تا با دنیایی از آگهی‌هایی از این دست روبه‌رو شوید. وقتی هم که با شماره‌های درج شده تماس می‌گیرید با تبلیغاتی مواجه می‌شوید که انگار می‌خواهد خانه‌ای لوکس را برای حداقل یکسال اجاره کند!؛ مثلاً یکی از همین مالکان با آب و تاب در مورد سوئیت ۳۰ متری که برای اجاره روزانه گذاشته



همراهان در اطراف بیمارستان‌ها ظهور کرده باشد. این را می‌توان از سخنان یکی از اعضای شورای شهر در صحن علنی به خوبی دریافت. زهرا شمس احسان در تذکر پیش از دستور خود با اشاره به بازگشت معضل چادر زدن همراهِان بیماران در اطراف بیمارستان‌ها، تصریح کرد: پدیده چادر زدن همراهِان بیماران در کنار بیمارستان‌ها با وجود همراهِسراهای شهرداری نشان دهنده فاصله قابل توجه نیاز شهروندان با عملکرد کنونی شهرداری است؛ این مسئله نه تنها مغایر با شأن انسانی؛ بلکه منجر به سلب آسایش از مردم شده است. اشاره شمس احسان به گزارش منتشر شده‌ای از وجود تعدادی چادر همراهِان بیماران در اطراف بیمارستان «...» بود که چند روز قبل در فضای مجازی و بعد رسانه‌ها منتشر شده بود.

❖ **شهرداری: همه همراهان را پذیرایم**

گرچه شهرداری ۱۵ سال است که ساخت همراهِسراها را در دستور کار خود دارد ولی، احمد احمدی‌صدر، مدیرعامل اسبق سازمان خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران چندی قبل گفته بود: بر اساس قانون شهرداری موظف به ایجاد همراهِسرا نیست. با این حال عبدالمجید رحمانی، مدیرعامل بهداشت مدعی است که شهرداری در این زمینه از هیچ اقدامی فروگذار نکرده و پذیرای تمامی همراهِان بیماران است. وی در گفت‌وگو با «هفت‌صبح» می‌گوید: سازمان ما با کمک خیرین و نهادهای خیریه تاکنون موفق شده‌اند ۹ همراهِسرا را در سطح شهر تهران احداث و به بهره‌برداری برسانند ضمن آنکه براساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته ان‌شاءالله تا آخر سال، ۴ مرکز دیگر نیز به این آمار اضافه خواهد شد.

به گفته وی ایس‌ن همراهِسراها در اطراف بیمارستان‌های شهدای تجریش، لطفی‌نژاد، پژوهشکده رویان، شریعتی و امام‌خمینی(ره) است و در آینده همراهِسرای هم در کنار بیمارستان میلاد احداث خواهد شد که در مجموع ظرفیت پذیرش حدود ۱۵۰۰ تا ۲ هزار همراهِ بیمار را دارند.

فرزندان در خانه یاد بدهند و حتی در برخی موارد تکالیف آنها را هم انجام دهند! برای همین معلمان و والدین سال‌هاست که در مورد مزایای دادن تکلیف شب به دانش‌آموز یا یک‌دیگر بحث‌وجدل داشته و دارند. در این خصوص گرچه بسیاری بر این باورند که تکلیف به دلیل تحمیل حجم زیادی از استرس غیر ضروری، بیش از آنکه مفید باشد به دانش‌آموز آسیب می‌رساند، اما بسیاری دیگر نیز اعتقاد دارند که تکلیف شب مزیت‌های زیادی برای دانش‌آموزان در بر دارد؛ به این دلیل که به آن‌ها کمک می‌کند که بیرون از کلاس با استقلال بیشتری فکر کنند.

❖ **اجرای طرح ۱۰ دقیقه‌ای**

در بسیاری از کشورهای پیشرفته، «قانون ۱۰ دقیقه‌ای» اجرا می‌شود. به این معنا که در پایه اول دبستان ۱۰ دقیقه تکلیف شب، در پایه دوم دبستان ۲۰ دقیقه و در نهایت سال آخر دبیرستان ۱۲۰ دقیقه زمان مناسب برای انجام تکالیف است. همچنین انجام تکلیف برای کودکان

در مهدکودک توصیه نمی‌شود. مطالعات انجام شده در مورد اثرات تکالیف زیاد و اثرات آن بر خانواده نشان می‌دهد تکالیف زیاد و طاقت فرسا نه تنها به بالا بردن نمرات و معدل دانش‌آموزان کمکی نمی‌کند بلکه به نگرش آنها در مورد مدرسه، نمرات خود، اعتماد به نفس خود، مهارت‌های اجتماعی آنها طعمه وارد می‌سازد.

❖ **راهکاری به نام طرح تکالیف مهارت محور**

شاید به همین دلایل باشد که بنا بر اعلام معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش، این نهاد به دنبال اجرای طرح تکالیف مهارت محور در مدارس است. رضوان حکیم زاده در توضیح این طرح نیز گفته است: بر اساس پژوهش‌های انجام شده نقش تکلیف در پایه‌های پایین بسیار کم است و ارزش یادگیری کمی دارند و تجربه نشان داده است که تکلیف زیاد نقشی در آموزش ندارد و فرصت‌های خارج از مدرسه که زمان آموزان برای تعمیق یادگیری است را از بین می‌برد. وی می‌گوید: در زمینه تکالیف دانش‌آموزان قائل به تکالیف مهارت محور هستیم. فعالیت‌ها و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شود

محمود فکری، کاپیتان پیشین استقلال در گفت وگو باهفت صبح از پوستر باشگاه، حمایت نکردن هواداران ویی عدالتی‌ها می گوید

پوستر ۸۰ سالگی باشگاه به عمد دستکاری شده است

نتایج ساینپتورامی گرفتم، من رادر میدان آزادی اعدام می کردند

سلامتی است که نه دنبال دلالتی است، نه شرط بندی و نه جادوگری و این حرف‌ها اما چرا شایعه درست می کنند من دنبال سحر و جادو رفتم؟!

« حداقل من به عنوان کسی که مدیر سانه تیم شما در نساجی مازندران بودم، گواهی می‌دهم محمود فکری اهل این کارها نیست و حتی با خرافات و... به شدت مخالف است.

این را شما که با من همکاری کرده‌اید می‌دانید اما بقیه چی؟ چه کسانی چنین دروغ‌هایی را می‌سازند؟ البته من از طریق مراجع قضایی از دست شایعه‌سازان شکایت کردم و تا آخرش هم پیگیر شکایت خودم هستم اما این رسمش نیست.

« (برای تغییر فضای مصاحبه) نظر شما درباره نتایج ریکاردو ساینپتو در استقلال چیست؟

من چه کارام که نظر بدهم؟!

« به هر حال شما یکی از پرسابقه‌ترین بازیکنان تاریخ استقلال محسوب می‌شوید که رکورددار تعداد بازی برای این تیم هستید و...

چه فرقی می‌کند؟ متأسفانه هوادار استقلال... بگذریم!

« لطفا نگذریم! چرا سکوت کردید؟

صادقانه بگویم هوادار استقلال دلم را بدجوری شکسته است! من کاپیتان این تیم بودم، وفادارترین به گواه خودشان بودم و سال‌ها صادقانه و بی‌منت در این تیم توپ زدم، هرگز به استقلال خیانت نکرده و وسط فصل تیم را به حال خود رها نکردم بروم اما بدترین شرایط را هنگام سرمربیگری در این تیم برای من به وجود آوردند.

« فکر می‌کنید چرا؟

دلیلش را باید خود هواداران استقلال توضیح دهند که چطور فرق خائن و خادم را متوجه نشدند. زمانی که سرمربی تیم بودم چند بازیکن به اعتراف خودشان برای من بازی نکرده و خیانت کردند. البته به من نه بلکه به استقلال خیانت کردند اما همین بازیکنان مورد حمایت هواداران قرار داشتند!

« منظور شما سیایش یزدانی است؟

سیایش یزدانی خودش اعتراف کرد برای محمود فکری بازی نکرده است. چرا طرفداران در فضایی مجازی و ... از چنین بازیکنی علیه من حمایت کردند؟ فقط او هم نبود و افراد دیگری هم بودند.

محمود فکری کاپیتان پیشین تیم استقلال به‌شدت از پوستر ۸۰سالگی این باشگاه عصبانی و شاکی است.

به تازگی باشگاه استقلال که جشن ۸۰سالگی خود را به خاطر خور دن هفت گل از الوصل امارات کنسل کرده بود، ناگهان پوستر ی منتشر کرد که دلخوری بسیاری از پیشکسوتان باشگاه را به دنبال داشت.

یکی از این پیشکسوتان محمود فکری است که در گفت‌وگو با هفت‌صبح به آن اشاره کرد...

« محمود فکری مدتی است کم مصاحبه شده و کمتر با رسانه‌ها گفت‌وگو می‌کند. چرا؟

شما می‌دانید رابطه من با رسانه‌ها همیشه خوب و مطلوب بوده است. زمانی که بازی می‌کردم احترام خاصی برای دوستان خبرنگار قائل بودم و الان هم که مربی شده‌ام باز این رابطه محترمانه برقرار است اما یک گلایه هم از شما دارم!

« از من؟!

از شخص شما نه اما چرا پس از انتشار پوستر ۸۰سالگی باشگاه استقلال یک نفر زنگ نزد که نظر من را درباره این کار زشت بپرسد؟!

« درباره زشتی یا درستی این پوستر صحبتی ندارم اما در هفت‌صبح نقدهایی نسبت به این کار منتشر کر دیم. لایذ شما سر پیراهن شماره ۸ ناراحت شدید؟

ببینید، تمام استقلایی‌ها و حتی پرسپولیسی‌ها می‌دانند شماره پیراهن من در این تیم ۶ بوده است. چرا باید پیراهن شماره ۸ تن من کنند؟!

« شاید قرار بوده تصویر مجتبی جباری با پیراهن شماره ۸ منتشر شود اما ناگهان پشیمان شده و سر شما را روی پیراهن شماره ۸ گذاشته‌اند؟

عکس قاب عکس مجتبی جباری هم منتشر شده اما حرف من چیز دیگری ست. اوایل دوران حضور در استقلال پیراهن شماره ۱۴ را پوشیدم و بعدتر هم شماره ۶ به من رسید؛ حتی در زمان بازی در تیم فجرسیاسی شیراز هم پیراهن شماره ۹ می‌پوشیدم! چرا کسانی که در باشگاه استقلال کار می‌کنند یا طراحی پوستر ۸۰سالگی این باشگاه را انجام داده‌اند نباید بدانند پیراهن شماره ۸ متعلق به محمود فکری نیست؟ چرا بقیه را درست زده‌اند؟

« یعنی شما معتقدید عمدی در کار بوده است؟

صدرصد عمدی بوده و شک نکنید! محمود فکری آدم



صادقانه بگویم هوادار استقلال دلم را بدجوری شکسته است!

من کاپیتان این تیم بودم. وفادارترین به گواه خودشان بودم و سال‌ها صادقانه و بی‌منت در این تیم توپ زدم

حوادث

متهم بعد از صدور رای گفت زمان ارتکاب جرم تنها ۱۸ سال داشته وقباحت عمل رادر ک نمی کرده است

اعدام برای شکارچی دوزن شاغل

فاطمه شیخ علیزاده
دبیر حوادث

چند سال قبل زن جوانی با مراجعه به پلیس شکایت خود را از یک مرد ناشناس به اتهام تجاوز و آزار واذیت به ثبت رساند. این زن جوان به نام افسانه در طرح اولیه شکایت خود گفت: «من نطفاتچی منزل هستم و معمولاً در سایت دیوار آگهی کاراییی منتشر می‌کنم تا کسانی که نیاز به نطفاتچی دارند، با من تماس بگیرند. تا اینکه چند روز قبل مرد جوانی با من تماس گرفت و خود را امید معرفی کرد که احتمالاً این اسم جعلی بوده است. او از من خواست برای نطفات خانه‌شان واقع در شرق تهران به آنجا بروم. من هم گفتم اگر متاهل هستی می‌توانم بیایم. امید گفت من نامزد دارم ولی خانه‌ای که می‌خواهم تمیز کنی خانه مادرم است. من و مادرم و نامزدم معمولاً در خانه هستیم».

افسانه در ادامه گفت: «وقتی که امید چنین اطمینانی به من داد، قبول کردم که کار خانه‌اش را انجام دهم. او با من در یکی از محله‌های شرق تهران قرار گذاشت و گفت برای طی کردن بقیه مسیر به دنبالم می‌آید. من هم از او علت را پرسیدم و گفتم آدرس را بده تا خودم به خانه شما بیایم اما او بهانه آورد و گفت خانه ما سر راست نیست و ممکن است در کوچه پس کوچه‌ها سرگردم شوی. من هم یک لحظه ترسیدم که نکند واقعا مجبور شوم مسافت زیادی را پیاده‌روی کنم برای همین قبول کردم که خود امید دنبال من بیاید».

آزار خانم نطفاتچی

این زن در مورد ادامه ماجرا این‌طور توضیح داد: «امید سرقرار با من آمد و تازه آنجا بودم که متوجه شدم او خیلی کم سن و سال است. او من را از راه و بیراهه به یک آپارتمان برد طوری که اصلا نتوانستم مسیر را یاد بگیرم. وقتی به آنجا رسیدم متوجه شدم که او در خانه تنها بود و قبل از اینکه چیزی بگویم یا اعتراضی کنم، به من گفت که مادرش

انهدام بانددسرق وجعل سند خودرو

مخدوش نیز از متهم توقیف شد که آن هم مسروقه بود. وی افزود: متهم در ابتدا متکر هر گونه ارتکاب جرم بود اما پس از مواجهه با مستندات و خودروهای توقیفی به تغییر ارکان و جعل اسناد بیش از ۶ دستگاه خودرو اعتراف کرد. همچنین مشخص شد که این فرد به همراه دو همدست خود اقدام به این فعالیت‌های مجرمانه کرده‌اند.

سردار گودرزی گفت همدستان متهم وظیفه تغییر ارکان خودروها را برعهده داشتند و پس از آن خودروها را به فرد دیگری تحویل می‌دادند که مسئول حک شماره شاسی و موتور بود. این افراد به ازای هر خودرو مبلغی به عنوان دستمزد دریافت می‌کردند. وی ادامه داد تاکنون پنج دستگاه خودرو شامل دو سواری و سه وانت که به صورت جعلی به فروش رسیده بودند در شهرهای قزوین، میانه، ارومیه و آبیگ کشف و پس از انجام مراحل قانونی به مالباختگان بازگردانده شده‌اند.

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ در پایان تاکید کرده این پرونده همچنان در دست بررسی است و تلاش برای شناسایی و دستگیری سایر عوامل مرتبط ادامه دارد.

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ از شناسایی و دستگیری اعضای باندی حرفه‌ای خبر داد که در زمینه سرقت خودروهای تصادفی و تغییر در ارکان و جعل اسناد آنها موسوم به «سند» نمره کردن، فعالیت می‌کردند.

پلیس سردار علی ولیپور گودرزی اظهار کرده این پرونده پس از دریافت گزارش‌های مردمی آغاز و با اقدامات اطلاعاتی و پلیسی کارا اگاهان اداره ۱۳ به نتایج مهمی منجر شد.

وی افزود: بر اساس تحقیقات خودروهای مسروقه که معمولاً از مدار خارج شده بودند توسط اعضای این باند به صورت کالتی به فروش می‌رسیدند و اسناد آنها به نام افراد دیگر ثبت می‌شد. این مقام ارشد انتظامی تصریح کرد: یکی از خودروهای سواری با خسارت بالای تصادف در شهرستان قزوین توقیف شد که بررسی‌ها نشان داد دارای سابقه سرقت در استان تهران است و پس از شناسایی مخفیگاه متهم اصلی سرقت در یکی از روستاهای شهرستان آبیگ، تیمی از کارا اگاهان با دستور قضایی به محل اعزام شده و وی را دستگیر کردند و این در حالی بود که در زمان بازداشت یک دستگاه خودروی دیگر با مشخصات

مرگ دلخراش راننده پیک موتوری

در تعقیب و گریز سارقان



شامگاه یکشنبه، ۱۳ مهرماه، خبر مرگ دلخراش مردی جوان در شمال شرق تهران، بازپرس سالار صنعتگر را به تکاپو انداخت. راننده پیک موتوری که تا چند ماه پیش در تلاش برای رساندن بسته‌ها به مقصدهای مختلف بود، این بار قربانی یک تعقیب و گریز جنایی شد و جان خود را از دست داد.

بر اساس تحقیقات اولیه، اردیبهشت اسمال مأموران کلانتری در حین گشت‌زنی در خیابان‌های شمال شرق تهران، به دو پسر جوان سوار بر موتورسیکلت مشکوک شدند. شماره پلاک موتور استعمال گرفته و مشخص شد که وسیله نقلیه سرقتی است و چند روز پیش از مقابل یک خانه به سرقت رفته بود.

با اطلاع مأموران از سرقتی بودن موتورسیکلت، دستور ایست صادر شد، اما راکبان موتورسیکلت با مشاهده مأموران، از فرمان پلیس سرپیچی کرده و تلاش کردند از محل فرار کنند. مأموران چندین بار دستور ایست دادند و پس از بی‌توجهی سارقان، اقدام به شلیک هوایی کردند تا راه فرار آنها مسدود شود.

در جریان این تعقیب و گریز، سارقان با سرعت زیاد در خیابان حرکت می‌کردند و ناگهان با راکب پیک موتوری که در مسیر آنها قرار داشت برخورد کردند. در این حادثه راننده پیک و یکی از سارقان هدف گلوله مأموران قرار گرفتند. هر دو مجروح شدند و بلافاصله به بیمارستان منتقل شدند. سارق جوان پس از درمان و مرخص شدن، توسط پلیس



